

روایتی از تغییر کاربری فرهنگی کیوسک‌های روزنامه‌فروشی که روزگاری محل تعامل و مباحثه بودند

دکه‌های بی‌کلمه

۴

وقتی بیمه از هزینه دارو عقب می‌ماند
بیماری گران‌تر از همیشه تمام می‌شود

دارو؛ از نسخه درمان
تا هزینه‌ای کمرشکن

۷

هشدار صریح ایران
به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۷۰ سال
تناقض

۳

چه کسی به صاحبان کسب‌وکار اجازه داده
جای پارک شهروندان را تصاحب کنند؟

خیابان، پارکینگ اختصاصی
مغازه‌دارها

۶

انتخابات کنست رژیم صهیونیستی که حکم پایان حیات سیاسی نتانیاهورا دارد

استیصال جناب‌یتکار

۳

قادری درگفت‌وگو با خبرنگار «آگاه»:

تسویه قراردادهای صنعتی باید متناسب با هزینه واقعی تامین ارز باشد



خبر، اصلاح مبنای تسویه بدون پرداخت به موقع مطالبات کافی نیست. تولیدکننده‌ای که ماه‌ها برای دریافت مطالبات خود انتظار می‌کشد، نمی‌تواند همزمان ارز مورد نیاز را نقدی خریداری کند. هزینه‌های جاری را بپردازد و به تعهدات زمانی قرارداد پایبند بماند. بنابراین، تعیین تکلیف مطالبات معوق، زمان بندی مشخص پرداخت‌ها و رعایت تعهدات مالی کارفرمایان باید در کنار اصلاح مقررات مستقیم از سرمایه در گردش سازندگان می‌کاهد و توان آنان را برای خرید مواد اولیه، پرداخت حقوق کارکنان و انجام تعهدات قراردادی کاهش می‌دهد.

■ تداوم این ناهماهنگی چه پیامدهایی برای صنعت و پروژه‌های تولیدی کشور دارد؟

پیامد این وضعیت تنها متوجه یک بنگاه اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند موجب تأخیر در تحویل تجهیزات، توقف پروژه‌های صنعتی، تضعیف زنجیره تامین و کاهش توان رقابت تولیدکنندگان داخلی شود. این مسئله در قراردادهای بزرگ صنعتی، نفتی، گازی و پتروشیمی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مشکلات مالی سازندگان می‌تواند اجرای پروژه‌های راهبردی کشور را نیز با اختلال مواجه کند. از این رو، ضروری است سازمان برنامه و بودجه کشور، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت نفت و سایر دستگاه‌ها و مراجع ذی‌صلاح، هریک در حدود اختیارات قانونی خود، نسبت به اصلاح ضوابط محاسبه و تسویه قراردادهای صنعتی اقدام کنند. لازم است سازوکاری شفاف و الزام‌آور برای پذیرش هزینه واقعی و مستند تامین ارز در محاسبه سهم ارزشی قراردادهای تدوین شود تا از اختلاف میان کارفرمایان و سازندگان و اعمال سلیقه‌ای مقررات جلوگیری شود. این اصلاحات نباید صرفاً به قراردادهای جدید محدود بماند، بلکه باید وضعیت قراردادهای جاری نیز با رعایت مفاد قراردادهای، شرایط تامین ارز و اختیارات قانونی دستگاه‌های مربوط تعیین تکلیف شود. همچنین، شرکت‌های بزرگ صنعتی و پتروشیمی باید در چارچوب مقررات معاملاتی خود، تناسب میان هزینه واقعی تامین تجهیزات و مواد اولیه و مبالغ پرداختی به سازندگان داخلی را رعایت کنند.

■ برای حمایت موثر از سازندگان داخلی، آیا اصلاح نرخ تسویه به‌تنهایی کافی است؟



تولیدکنندگان در اقتصاد ایران، علاوه بر چالش‌هایی همچون افزایش هزینه‌های تولید، کمبود نقدینگی و دشواری تامین سرمایه در گردش، با مسئله‌ای مهم به نام نوسانات ارزی و چندگانگی نرخ ارز نیز مواجه هستند؛ مسئله‌ای که می‌تواند برنامه‌ریزی برای خرید مواد اولیه، حفظ ثبات قیمت تمام‌شده و تداوم فعالیت واحدهای صنعتی را با دشواری روبه‌رو کند. در چنین شرایطی، سیاست‌های ارزی باید به‌گونه‌ای تنظیم شوند که نه تنها از منابع ارزی کشور صیانت شود، بلکه تولیدکننده نیز بتواند با اطمینان بیشتری برای آینده فعالیت خود تصمیم بگیرد. از یک سو، تولیدکننده برای واردات مواد اولیه و تجهیزات مورد نیاز خود ناچار است ارز را با نرخ‌های بالاتر تهیه کند و از سوی دیگر، ممکن است هنگام بازگشت ارز حاصل از صادرات یا تسویه تعهدات ارزی با نرخ‌های متفاوت روبه‌رو شود؛ وضعیتی که در صورت نبود تناسب میان هزینه تامین ارز و نرخ تسویه، حاشیه سود بنگاه‌ها را کاهش می‌دهد و حتی می‌تواند انگیزه تولید و صادرات را تضعیف کند. در این میان، سیاست‌گذار باید میان ضرورت مدیریت بازار ارز، تامین نیازهای ارزی کشور و حمایت واقعی از بنگاه‌های تولیدی توازن برقرار کند تا هزینه سیاست‌های ارزی بر دوش تولیدکنندگان قرار نگیرد.

حمایت ارزی از تولید، صرفاً به تخصیص ارز ترجیحی یا تعیین نرخ‌های دستوری محدود نمی‌شود، بلکه ایجاد ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در مقررات، تسهیل دسترسی به ارز مورد نیاز، کاهش فاصله میان نرخ خرید و تسویه و پرهیز از تصمیمات ناگهانی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود فضای کسب‌وکار کمک کند. همچنین لازم است سیاست‌های ارزی متناسب با واقعیت‌های اقتصادی و هزینه‌های تحصیل‌شده به تولیدکنندگان طراحی شود تا بنگاه‌هایی که برای تامین مواد اولیه و حفظ ظرفیت تولید خود هزینه‌های بیشتری می‌پردازند، در فرآیند تسویه ارزی متضرر نشوند. پرسش اساسی اینجاست که چرا با تولیدکننده‌ای که برای تامین مواد اولیه ارز را گران می‌خرد با نرخ ارزان تسویه صورت می‌گیرد؟ در همین زمینه، برای بررسی ابعاد سیاست‌های ارزی و ضرورت حمایت موثر از تولیدکنندگان، همچنین پیامدهای چندگانگی نرخ ارز بر فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و صادرات کشور، با جعفر قادری، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید و نظارت بر اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس به گفت‌وگو نشسته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

■ مهم‌ترین چالش تولیدکنندگان و صنعتگران در زمینه تامین ارز و تسویه مطالبات قراردادهای صنعتی چیست؟

یکی از چالش‌های جدی بخش تولید و صنعت کشور، ناهماهنگی میان سیاست‌های تامین ارز و سازوکار محاسبه و تسویه مطالبات سازندگان و پیمانکاران صنعتی است؛ مسئله‌ای که فشار مضاعفی بر سرمایه در گردش بنگاه‌ها وارد می‌کند و مخاطره مواجه می‌سازد. در شرایطی که پروژه‌های صنعتی را با مخاطره مواجه می‌سازد، در شرایطی که تامین ارز ارزان قیمت به کالاهای و مصارف مشخصی مانند غذا و دارو اختصاص یافته و تولیدکنندگان صنعتی برای تامین مواد اولیه، قطعات و تجهیزات مورد نیاز خود ناچارند از سایر مسیرها و با نرخ‌های بالاتر اقدام کنند، منطقی نیست هنگام تسویه مطالبات آنان، نرخ ارز ارزان‌تری مبنا قرار گیرد که امکان دسترسی واقعی به آن را ندارند.

روایت ایران مقتدر



امیر اسماعیلی
سر‌دبیر

در شرایطی که تهدیدات نظامی و تبلیغاتی دشمنان تروریست و کودک‌کش علیه کشورمان بار دیگر تشدید شده و برخی محافل بین‌المللی از احتمال «جنگ دوباره»، سخن می‌گویند، روایت قدرت و توانمندی ایران نه یک انتخاب تبلیغاتی، بلکه ضرورتی راهبردی است. سکوت یا روایت صرفاً تدافعی، در برابر این تهدیدات، میدان را به روایت‌سازی دشمن می‌سپارد؛ روایتی که هدفش تضعیف بازدارندگی و ایجاد تردید در اراده ملی است.

کشورمان طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از تجربه جنگ‌های تحمیلی و تحریم‌های گسترده، توانسته است ظرفیت‌های دفاعی خود را بر پایه خوداتکایی توسعه دهد. شبکه موشکی و بالستیک و گروهبانان متونوع، توانمندی پهبادی گسترده از جمله پهبادهای تهاجمی و شناسایی دوربرد، سامانه پدافند هوایی چندلایه و تجربه عملیاتی در میدان‌های منطقه‌ای، بخشی از این توانمندی‌هاست. این ظرفیت‌ها صرفاً در سطح نظری باقی نمانده‌اند؛ نمایش‌های عملیاتی و پاسخ‌های هدفمند در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که بازدارندگی ایران مبتنی بر قدرت واقعی است، نه شعار.

روایت این قدرت نباید به معنای تحریک یا ماجراجویی باشد. برعکس، روایت دقیق و مستند توانمندی‌ها، پیام روشنی به طرف مقابل می‌فرستد: هزینه هرگونه اقدام نظامی علیه ایران بسیار بالاتر از منافع فرضی آن خواهد بود. در عین حال، این روایت باید با واقعیت‌های داخلی و دیپلماتیک نیز همخوان باشد. قدرت نظامی بدون انسجام داخلی، مدیریت اقتصادی و دیپلماسی هوشمند، ناقص است. دشمنان دقیقاً روی همین نقاط تمرکز می‌کنند، بنابراین روایت قدرت باید همزمان نقاط قوت دفاعی را برجسته کند و از اغراق‌های غیرواقعی که می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند، پرهیز نماید. در فضای رسانه‌ای امروز که جنگ روایت‌ها به اندازه میدان نبرد اهمیت یافته، ترک میدان توسط رسانه‌ها و نخبگان به معنای واگذاری ابتکار عمل است. دشمنان با برجسته کردن ضعف‌ها، تحریم‌ها و چالش‌های داخلی تلاش می‌کنند تصویر کشوری شکننده و منزوی ارائه دهند. پاسخ مناسب، نه انکار چالش‌ها، بلکه ارائه تصویر متوازن از ظرفیت‌های واقعی ایران است؛ کشوری که با وجود فشارهای خارجی، توانسته است بازدارندگی موثری ایجاد کند و در عین حال مسیرهای دیپلماتیک را نیز باز نگه دارد. وقتی دشمن تهدید به جنگ می‌کند، نمایش توانایی دفاع و پاسخ، بهترین تضمین برای جلوگیری از آن جنگ است. روایت صادقانه، مستند و بدون اغراق از این توانمندی‌ها، نه تنها بازدارندگی را تقویت می‌کند، بلکه به افکار عمومی داخلی و منطقه‌ای نیز پیام روشنی می‌دهد که ایران در برابر تهدیدات منفعل نیست. افزون بر این، روایت قدرت ایران باید فراتر از صرف توانمندی‌های سخت‌افزاری باشد و ابعاد نرم قدرت را نیز دربرگیرد. نفوذ منطقه‌ای، شبکه‌های مقاومت و توانایی تأثیرگذاری بر معادلات انرژی و امنیت خلیج فارس، همگی بخشی از دارایی‌های راهبردی کشور هستند که دشمنان به‌خوبی از وجودشان آگاه هستند اما ترجیح می‌دهند آنها را نادیده بگیرند یا کم‌اهمیت جلوه دهند. برجسته ساختن این ابعاد در گفتار عمومی و رسانه‌ای، تصویر ایران را از یک بازیگر منفعل به بازیگری فعال و تعیین‌کننده در نظم منطقه‌ای تبدیل می‌کند.

در نهایت، استمرار این روایت در شرایط تهدید، نیازمند هماهنگی میان نهادهای رسمی، رسانه‌ها و نخبگان است. هرگونه دوگانگی یا پیام متناقض، اثر بخشی بازدارندگی را کاهش می‌دهد. وقتی جامعه و افکار عمومی منطقه‌ای احساس کند که ایران توان دفاع دارد و هم‌اراده استفاده از آن را، محاسبات دشمنان پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر خواهد شد. این همان نقطه‌ای است که روایت قدرت، از یک گفتار تبلیغاتی به ابزاری واقعی برای حفظ امنیت ملی تبدیل می‌شود.



حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد، خطیب نماز جمعه تهران:
وحدت ملی، ستون فقرات توسعه و ثبات کشور است



سیدمهدی حسینی، خبرنگار روزنامه «آگاه»: رویکرد جدید جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدات منطقه و فشارهای بین‌المللی، امروز در دو محور متوازن اما تکمیلی آن هم در سخنان صریح و زبان بدن معنادار مقام امنیتی کشور در جریان است. اظهارات اخیر سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگو با دراپ سایت، گویای بازدارندگی و قوی جمهوری اسلامی «در قبال ایالات متحده است.» آنچه از سوی او بیان شد حکایت از آن دارد، ایران اکنون از موضع قدرت، قواعد بازی را تعیین می‌کند. در محور دوم، تحلیل رفتارهای کالدبی و زبان بدن دبیر شعام در دیدارهای اخیر با مقامات آذربایجان و پاکستان، لایه دیگری از این استراتژی را به وضوح آشکار می‌کند.

نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی به تازگی در گفت‌وگویی با تأکید بر اینکه همه باید بداند اقدام علیه ایران



«آگاه» در گزارشی مواضع اخیر دبیر شعام و زبان بدن او در دیدارهای اخیرش را بررسی کرد

زبان قدرت «آقا محسن»

به سوی او می‌رود، مرکز ثقل رابطه را در اختیار خود می‌گیرد. در این صحنه، سرلشکر رضایی به عنوان نقطه ثبات عمل کرد. او بدون تکان خوردن در عقب نشینی، در جایگاه خود استوار ماند و فرمانده ارتش پاکستان را بوسید! هنگامی که شخصی بدن خود را ثابت نگه می‌دارد و طرف مقابل را به سمت خود جذب می‌کند، در واقع کنترل فضای ارتباطی را در دست دارد. این حالت نشان دهنده اعتماد به نفس بالا است. ثبات بدنی در اینجا به معنای «تزلزل ناپذیری» ارزیابی می‌شود. ایران در این رابطه، طرفی است که جایگاهش تثبیت شده و شرکای استراتژیکش هستند که برای تحکیم این رابطه، به سمت ایران می‌آیند و در مدار آن قرار می‌گیرند. این رفتار، صمیمیت را با اقتدار پیوند می‌زند؛ پیوندی که برگرفته از این برداشت است: «ایران با شرکای خود صمیمی است، اما این صمیمیت از موضع ضعف یا انفعال نیست، از موضع قدرت ثابت است که دیگران به دنبال نزدیکی با آن هستند.»

در جمع بندی نهایی می‌توان گفت که رویکرد سرلشکر محسن رضایی در این دو محور، نشان‌دهنده سیاست منسجم و چندلایه است. به عبارتی، ایران به دنبال آن نیست که تنها با سخنرانی یا رفتار، پیام خود را برساند، از ترکیبی از هر دو استفاده می‌کند. بنابراین گفت‌وگوی اخبرش، سقف و کف نحوه برخورد ایران با دشمن را مشخص کرد؛ سقف، بازدارندگی سخت و کف، عدم پذیرش وعده‌های توخالی است. از سوی دیگر، زبان بدن وی هم، «نشانه راه» روابط منطقه‌ای را ترسیم کرد. این رویکرد، تجلی همان «دیپلماسی قدرت» است؛ دیپلماسی‌ای که می‌داند کجا باید خط قرمزها را با لحنی تند ترسیم کند و کجا با یک لبخند و روبوسی، پیمان‌های امنیتی را محکم‌تر کند. در نهایت، این هم افزایی کلام و رفتار، پیامی روشن به جهان دارد و آن اینکه ایران اکنون با اعتماد به نفس کامل، هم در میدان نبرد و هم در میز مذاکرات و هم در دیدارهای دیپلماتیک، بازی را مدیریت می‌کند و هرگونه محاسیه‌ای علیه این کشور، با ریسک‌های پیش‌بینی ناپذیر و هزینه‌های سختی همراه خواهد بود.

آمریکا میز مذاکرات را منفرج کرد، بنابراین، دیپلماسی جدیدی که «آقا محسن» از آن سخن می‌گوید، در خدمت قدرت، بغوانید عرصه میدان ـ است. به عبارت دیگر، ایران اکنون میز مذاکرات را به عنوان ابزاری برای تثبیت دستاوردهای نظامی و سیاسی خود می‌بیند، نه راهی برای بازگشت به وضعیت گذشته. بر همین اساس، ایران دیگر پد بیاری وعده‌های تو خالی نخواهد بود. هر توافقی در آینده باید دارای سازوکارهای اجرایی باشد که در صورت نقض، به طور خودکار منجر به خسارت برای طرف مقابل شود. موضع‌گیری و تحرکات مقام عالی امنیتی کشور به اینجا ختم نشد، زبان بدن او در چند دیدار اخیرش حسایی در رسانه‌ها و فضای مجازی وایرال شد. به هر حال، زبان بدن، صادق‌ترین بخش ارتباطات انسانی است و در سطح مقامات امنیتی، هر حرکت دست یا نگاه، پیام سیاسی به همراه دارد.

همین چند روز گذشته بود که فرمانده ارتش پاکستان به تهران سفر کرد و با مقامات بلند پایه ایران به تبادل نظر پرداخت. وقتی به دیدار رضایی رفت، ویدئوی روبوسی او با عاصم منیر مورد توجه قرار گرفت. این پایان ماجرا نبود؛ زبان بدن سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در ملاقات با شاهین مصطفی، معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان به ویژه شیوه دست دادن وی با این مقام آذربایجانی در فضای مجازی مورد توجه قرار گرفت. برخی کاربران بر اهمیت زبان بدنی که محسن رضایی به کار می‌برد و لزوم توجه دیگر مسئولان به این زبان بدن اشاره کرده‌اند. او کامل به مقام آذربایجانی دست نداد. بالاخره آذربایجان در سال‌های اخیر به دلیل روابط نزدیک با اسرائیل و ترکیه، گاهی در برآورد جایگاه ایران دچار خطا شده است. این زبان بدن، پیامی غیرکلامی است که می‌گوید: «ایران نه تنها رقیب، بلکه قدرت برتر منطقه است و هرگونه همکاری باید با پذیرش این واقعیت آغاز شود.» در نقطه مقابل، وقتی یک طرف (رضایی) در یک تعامل فیزیکی ثابت می‌ماند و طرف مقابل (فرمانده ارتش پاکستان) را به سمت خود می‌کشد یا

سنگین که تحمل آن برای تصمیم‌گیرندگان و اشنگتن و تل‌آویو غیرممکن باشد، این سیگنال به دشمن می‌فهماند، هرگونه محاسیه نظامی علیه ایران، با متغیری به نام پاسخ متناسب و سخت روبرو می‌شود و می‌تواند ساختار اقتصادی، امنیتی و سیاسی منطقه را دگرگون کند؛ تغییری که ترکش آن به اروپا و آمریکا نیز خواهد رسید.

همچنین هشدار درباره برنامه‌های گسترده‌تر جمهوری اسلامی ایران به هر تهدیدی کاملاً دست پر ایران را در میدان نبرد به رخ دشمن می‌کشانند. در همین رابطه پنج‌شنبه هفته گذشته خبر رسید، سرلشکر امیر حاتمی از یکی از مراکز تولید پهپاد‌های رزمی هجومی ارتش با زدید و در سخنانی تصریح کرد: «ارتش جمهوری اسلامی ایران یک درصد تهدید را ۱۰۰ درصد فرض کرده و خود را برای آن آماده می‌کند، دشمن امروز ما نیز دشمنی ۱۰۰ درصد غیرقابل اعتماد است و زبانی جز زبان زور و قدرت، متوجه نمی‌شود.»

اگر مواضع دو مقام ارشد نظامی و امنیتی در کنار یکدیگر قرار گیرد، خط اصلی را به دشمن نشان می‌دهد؛ بخواهند خطایی مرتکب شوند، این بار دکتربین دفاعی با دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه متفاوت خواهد بود. در جنگ‌های کلاسیک، پاسخ متقارن اینگونه تفسیر می‌شود که اگر موشکی زنند، ما هم به همان اندازه پاسخ دهیم، اما برنامه گسترده‌تر بدین معناست؛ ایران در صورت وقوع درگیری، تنها به ابزارهای نظامی اکتفا نمی‌کند، تمام اهرم‌های فشار خود از جمله فعال سازی شبکه‌های منطقه‌ای و استفاده از توانمندی‌های سایبری و پهپادی و موشک‌ها و پهپادهای جدید را در یک زنجیره واحد به کار می‌گیرد تا دشمن را در وضعیتی از گیجی قرار دهد.

ضمن آنکه تأکید رضایی بر این نکته که به دیپلماسی گذشته بر نمی‌گردیم، ولی دیپلماسی را هم رها نمی‌کنیم، یک رمززدنی قاطع است. پیش از این با تکیه بر وعده‌های سیاسی پای میز مذاکراته و گفت‌وگو حاضر شدیم، نتیجه چه شد؟ در هر دو مقطع،

در گفت‌وگوی تفصیلی با «آگاه» مطرح شد

ناگفته‌هایی از اجرای توسعه سواحل جنوب شرق کشور

منطقه عمومی مکوران به همان استان هشتم نقشه ۱۳۱۵، شامل شرق استان هرمزگان، کل استان کرمان و کل استان سیستان و بلوچستان بازمی‌گردد و سواحل مکران در ایران به خط ساحل شرقی ایران، یعنی از زینر تریاب (جنوب میناب) تا چابهار در ادامه خلیج گواتر که حدود ۷۰۰ کیلومتر است را شامل می‌شود. در مصوبه‌ای که مجلس شورای اسلامی داشته، سواحل مکران شامل شهرستان‌های میناب، سیریک، جاسک، زرآباد، کنارک و در ادامه چابهار است. مطالعه سواحل مکران و منطقه عمومی مکران الزاما لازم و ملزوم یکدیگر هستند، زیرا برای ورود به دریا، بررسی ویژگی‌های ساحل (فصل مشترک خشکی و دریا) از اهمیت بالایی برخوردار است و هنگامی که از اقیانوس و دریا‌های آزاد به ساحل می‌رسیم، مطالعه پس کرانه سواحل، یعنی منطقه عمومی مکران، بسیار مهم خواهد بود. وی تصریح کرد: اگر بخواهم توضیحاتی را در مورد سواحل مکران عرض کنم، این سواحل برای فعالیت‌های دریایی و ساخت بندر اقیانوسی، اسکله، موج شکن و... بسیار مناسب هستند. در این سواحل به راحتی با کمی فاصله گرفتن از خشکی، به عمق‌های ۲۰ متر و بالاتر می‌رسیم و با هزینه‌ای بسیار کم در این مناطق می‌توان بندر بسیار خوبی را ساخت. اگر بخواهیم چنین ویژگی منحصر به فردی را با داخل خلیج فارس بررسی کنیم، می‌بینیم که برای تردد و دسترسی به بندر منطقه خلیج فارس همواره به کانال‌های کشتیرانی خطرناک



در جلسه‌ای رهبر شهید از امیر سیاری پرسیده بودند که نام این منطقه را با چه عنوانی دنبال می‌کنید و امیر سیاری پاسخ داد: نام قدیمی («مکوران») و آقا فرموده بودند که «(بله و اتفاقاً هم اسم قدیمی‌اش همین بوده و کار بسیار خوبی است.)» از اینجا بود که دیگر به صورت رسمی موضوع توسعه منطقه جنوب شرق با بازشناسی یک نام قدیمی که کاملاً هم در تاریخ و منطقه ریشه داشت، به صورت کاملاً جدی آغاز شد

و کم عرض، بسیار طولانی با طول‌های چند ده کیلومتر و مضافا لایروبی مستمر این مسیرها نیازمندیم که این مشکل در بنادر کشورهای عربستان، بحرین، قطر و امارات بسیار حادتر است. مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور افزود، قرار گرفتن در پایین‌ترین عرض جغرافیای کشور ایران از دیگر ویژگی‌های این سواحل است که این سواحل را به عرض جغرافیایی ۲۳ درجه و ۲۷ دقیقه با عرض جغرافیایی مناطق حاره نزدیک می‌کند و بر اساس همین ویژگی است که در شهرستان زرآباد، تولید موز و دیگر میوه‌های استوایی در مقیاس وسیعی صورت می‌گیرد. آل احمد اظهار کرد: در کنار بحث کشاورزی، موضوع گردشگری را داریم، واقعا جاذبه‌های گردشگری منطقه بی‌مانند بوده و کافی است که با ایجاد حداقل امکانات در منطقه، بتوانیم توسعه گردشگری خوبی داشته باشیم. مثلا ورزش‌های آبی مثل موج سواری در هیچ جای دیگر ایران امکان پذیر نیست و در واقع درمان مونسون که همان تابستان است، می‌توانیم ورزش‌هایی مثل موج سواری و دیگر ورزش‌های ویژه مناطق حاره را در این مناطق داشته باشیم. وی مهم‌ترین ویژگی راهبردی منطقه عمومی مکران را قرار گرفتن آن در مسیر کریدور شمال-جنوب دانست و گفت: در شمال و شرق ایران، ما کشورهای محصور خشکی از جمله افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و آذربایجان و همچنین روسیه را داریم که برای دسترسی به آب‌های آزاد و اقیانوس‌ها، مناسب‌ترین مسیرشان استفاده از کریدور شمال - جنوب عبوری از ایران و همین منطقه مکران است و ایران با حسن استفاده از این فرصت طلایی، به راحتی می‌تواند منافع راهبردی خود را به منافع راهبردی دیگر کشورهای مرتبط کند.

کارشناس مسائل راهبردی دریا می‌گوید، در چنین شرایطی اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران، عملا تحریم کشورهای پیش گفته را شامل می‌شود که این موضوع عملا نتایج چنین تحریم‌هایی را کم‌رنگ می‌کند. آل احمد در تکمیل ویژگی‌های منطقه عمومی مکران، به وجود معادن و ذخایر سرشار نفت و گاز و انواع فلزات گرانبهار داخت و گفت: به حق باید اذعان داشت که خدا نعمت را در اینجا کامل کرده است. با وجود چنین فرصت‌هایی، متأسفانه و متأسفانه، منطقه مکران از پایین‌ترین سطح توسعه و پیشرفت برخوردار بوده و با فرصت‌سوزی‌هایی که در طول این دوران داشته‌ایم، به هیچ وجه عملاً نتوانسته‌ایم از این فرصت‌ها استفاده‌ات‌گونه که باید و شاید، کنیم. وی به برگزاری همایش‌های ملی توسعه سواحل مکران اشاره کرد و گفت: در ادامه و به منظور استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های بسیار باارزشی که در بخش پیشین عرض کردم، پس از اینکه رهبر شهید به نیروی دریایی ارتش اجازه دادند تا نداجا موضوع پیشرفت سواحل مکران را در سطح کلان و ملی دنبال نماید، نهایتا در بهمن سال ۱۳۹۱، رئیس‌جمهور وقت برگزار شد که این همایش نقطه آغازینی بود تا اینکه موضوع پیشرفت و توسعه مکران رسماً در دستور کار دولتمردان قرار بگیرد و جامعه ایران با ویژگی‌ها و فرصت‌های این منطقه به صورت فراگیر و ملموس تراشنا شوند.

مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور در پایان گفت: پس از همایش اول و از آنجایی که همواره تأکید بر آن بود که سواحل مکران در دو استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان واقع شده است، پس از همایش اول در چابهار، معاونت توفیق برگزاری همایش دوم را در خرداد سال ۱۳۹۳ را جاسک به ما داد که در این همایش هم رئیس مجلس شورای اسلامی وقت، شهید دکتر لاریجانی، حضور پیدا کرد و به حمدالله موضوع پیگیری پیشرفت سواحل مکران به صورت جدی‌تر در مسیریکه آغاز کرده بود، دنبال شد.

مهروداد آل احمد، مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» به تشریح روند شکل‌گیری و پیگیری طرح توسعه سواحل مکران پرداخت و با اشاره به ظرفیت‌های منحصر به فرد این منطقه، از فرصت‌سوزی‌های گذشته انتقاد کرد. وی با اشاره به سابقه تاریخی و ظرفیت‌های گسترده منطقه مکران، گفت: موضوع توسعه سواحل جنوب شرق کشور در دستور کار نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و این موضوع به سال ۱۳۸۶ و زمانی بازمی‌گردد که بنده مسئولیت دفتر مطالعات راهبردی نیروی دریایی ارتش را بر عهده داشتم.

مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور افزود، در آن زمان اجرای طرح ولایت به صورت جدی دنبال می‌شد؛ طرح ولایت، مصوبه و ابلاغی رهبر شهید بود که بر اساس آن، نیروی دریایی ارتش با توجه به برخورداری از یگان‌های رزمی سنگین‌تر و امکانات مناسب‌تر برای حضور در دریا‌های آزاد، باید در شرق تنگه هرمز مستقر و به تبع آن، نیروی دریایی سیاه با توجه به ویژگی یگان‌های شناوریش در غرب تنگه هرمز و داخل خلیج فارس مستقر می‌شد.

آل احمد تصریح کرد: براین اساس قرار شد منطقه استقرار نداجا در شرق تنگه هرمز، شامل خط ساحلی از جنوب میناب (بندر تریاب) شروع شده و در ادامه سیریک، جاسک، لیردف، زرآباد، کنارک و چابهار را شامل شود و در نهایت به پس‌پابندرو خلیج گواتر، یعنی منتهی‌الیه جنوب شرقی ایران، خاتمه یابد. وی تأکید کرد، یکی از افتخارات بسیار مهم بنده در طول ۳۵ سال خدمت در نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، به همین دوره ۸۶ تا ۹۶، یعنی آغاز اجرای طرح ولایت و مسئولیتم در دفتر مطالعات راهبردی مربوط می‌شود که به صورت مستقیم در خدمت امیرسیاری، فرمانده اسبق نیروی دریایی، بودم.

مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور با تشریح روند اجرای طرح ولایت گفت: در این زمان، اجرای طرح ولایت شروع شده بود و هر معاونت ستادی به دنبال این بود که مأموریت محوله را به بهترین شکل به انجام برساند؛ مثلا معاونت عملیات برنامه ریزی برای حضور مقتدرانه یگان‌های شناور در اقیانوس‌ها و دریا‌های آزاد را دنبال می‌کرد، معاونت مهندسی بحث ساختن مناطق و پایگاه‌های دریایی جدید، منازل سازمانی و استسکامات رزمی را پی می‌گرفت و بهداشت و درمان نیز به همین ترتیب در حوزه خودش فعالیت می‌کرد.

وی افزود، خدمت امیرسیاری ر قتم و گفتم، اگر اجازه بفرمایید، هم‌زمان که ما بحث‌های تخصصی خودمان را دنبال می‌کنیم، فکری هم برای پیشرفت و توسعه مردم منطقه داشته باشیم و

این دور لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و پیگیری کنیم. امیرسیاری هم با آن درایت و ویژگی‌های خاصی که داشتند، فرمودند که در این مورد بررسی تکمیلی را به عمل آورده و هر وقت که توانستم گزارش تکمیل‌تری را خدمت‌شان ارائه کنم تا به صورت جدی‌تری بتوانیم موضوع را دنبال کنیم، مسئول سابق پیگیری توسعه سواحل جنوب شرق کشور اظهار کرد: از اینجا رفته رفته موضوع توسعه مناطق جنوب شرق به صورت جدی‌تری دنبال شد.

اولین کار، بررسی پیشینه تاریخی منطقه بود و معلوم شد که در

انتخابات کنست رژیم صهیونیستی که حکم پایان حیات سیاسی نتانیاهورا دارد

استیصال جنایتکار

کرسی به کینگ میکربا تعیین کننده تبدیل شده اند. در هفته گذشته، فهرست متحد عربی به رهبری یوسف جبارین اعلام کرد که از تمام ابرارهای موجود برای کنارزدن دولت نتانیاھو استفاده خواهد کرد و به عنوان تور امنیت برای اپوزیسیون عمل می کند. همچنین گزارش شده که مشارکت رأی دهندگان عرب برای اولین بار در این دوره افزایش یافته است.

مسئله اقدام ناگهانی نتانیاھو برای ایجاد تنش همچنان در محافل صهیونیست ها مورد بحث و گفت وگو است. در همین رابطه، هفته گذشته، تحلیلگران و رسانه ها به ویژه هاآرتص به طور گسترده به این موضوع پرداختند که آیا نتانیاھو برای تاثیرگذاری بر نتیجه انتخابات، درآستانه رأی گیری دست به یک غافلگیری اکتبر خواهد زد یا خیر. گمانه زنی ها عمدتا بر احتمال عملیات نظامی علیه ایران یا تشدید تنش امنیتی متمرکز است. منتقدان معتقدند که نتانیاھو با توجه به خطر محکومیت قضایی و زندان در صورت شکست درانتخابات، ممکن است برای بقای سیاسی خود دست به چنین اقدامی بزنند. از سوی دیگر نیز نتانیاھو در روزهای اخیر یک دکترین امنیتی جدید ارائه کرد که با واکنش تند اپوزیسیون مواجه شد. یائیر لاپید و گادی آیزنکوت این دکترین را به چالش کشیدند و آن را مورد نقد قرار دادند. این موضوع نشان می دهد که امنیت و سیاست خارجی، به ویژه در قبال ایران، غزه و محور مقاومت، همچنان محو اصلی کارزار انتخاباتی است.

در این دکترین امنیتی جدید، نتانیاھو ایران را در راس اولویت های امنیتی خود دانست و مدعی شد که رژیم متبوعش آماده انجام حملات پیش دستانه است. نتانیاھو همچنین مدعی شد که رژیم صهیونیستی توانسته با جنگ افروزی علیه نوار غزه، یمن، لبنان و ایران، محور مقاومت و خطر هسته ای علیه این رژیم را از بین ببرد. در نقشه ای که از سوی نتانیاھو طی کنفرانس توهمی وی نشان داده شده، ترکیه، عربستان، مصر و پاکستان به عنوان محور به اصطلاح سنی علیه این رژیم مطرح شده اند.

یائیر لاپید، رئیس جریان معارض در رژیم صهیونیستی طی سخنانی تاکید کرده که سند امنیتی مطرح شده از سوی نتانیاھو فاقد راهبرد امنیتی واقعی بوده و در واقع تلاش برای سرپوش گذاشتن بر شکست های کابینه وی به ویژه عملیات طوفان الاقصی است. وی اضافه کرد، این در حالی است که نتانیاھو مانع تشکیل کمیته رسمی حقیقت در خصوص شکست های عملیات هفت اکتبر و گسترش توافنامه های عادی سازی روابط می شود. اما در یکی از تحولات مرتبط با انتخابات رژیم صهیونیستی، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، درآقدامی کم سابقه، حمایتی بی قید و شرط از نتانیاھو اعلام کرد و او را شریکی کلیدی برای رویارویی با ایران خواند. نتانیاھو نیز بلافاصله از این حمایت قدردانی کرد. این مسئله منجر به انتقادات گسترده ای در سرزمین های اشغالی شده است و مخالفان نتانیاھو این مسئله را به عنوان یک دخالت آشکار در امور داخلی این رژیم عنوان می کنند. آوبگدور لیرمن، رئیس حزب اسرائیل بیتنو، در گفت وگو با رادیو ۱۰۳ افام، با انتقاد از حمایت دونالد ترامپ از بنیامین نتانیاھو گفت، برای رئیس جمهور ترامپ بسیار راحت است که اسرائیل را به کمک بی بی عروسک دست نشانده اداره کند.

ارتش علیه قصاب غزه

اما این تنها سباسبون مھوینیستی نیستند که مخالف نتانیاھو هستند، بلکه در ارتش صهیونیستی نیز مخالفت با بی بی اوج گرفته است. در همین راستا، رسانه عبری از وجود انتقادات در داخل ارتش و نهاد امنیتی رژیم صهیونیستی نسبت به ادعاهای نخست وزیر این رژیم درباره ایران خبر داد.

روزنامه معاریو در همین راستا نوشت ادعاهای بنیامین نتانیاھو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی درباره صدور دستوراتی برای ارتش پیرامون سرنگونی نظام ایران و منع گسترش پروژه هسته ای آن با انتقادات گسترده و واضعی در داخل ارتش و نهاد امنیتی اسرائیل مواجه شده است. روزنامه معاریو به نقل از منابعی در ارتش و نهاد امنیتی نوشت، اهداف جنگی که نتانیاھو مطرح کرده برای هراتشی در جهان غیر قابل تحقق است و ارتش اسرائیل کاملا از تحقق چنین اهدافی ناتوان است. روزنامه معاریو پیشتر نیز از شکاف بین اظهارات نتانیاھو و واقعیت انتقاد کرده بود.

روح الله مدبر، کارشناس مسائل بین الملل در گفت وگو با «آگاه»:

زنسکی در محور متخاصم ضد ایرانی است

رژیم کی یف با روسیه می جنگد، اما یک متریشوری نکرده و روسیه سرزمین های در اختیار گرفته را حفظ کرده است. برای همین آمریکا به این نتیجه رسیده که استمرار هزینه کرد پول آمریکا دستاوردی ندارد و تصمیم گرفته حضور خود را از این بازی شکست خورده عقب ببرد. این کارشناس مسائل بین الملل خاطرنشان کرد، در گفت وگویی که بین پوتین و ترامپ صورت گرفته، روسیه ۶ شرط مطرح کرده و آمریکا هر ۶ شرط را پذیرفته است، از جمله اینکه کسی بعد از زنسکی روی کار نیاید که تابع روسیه باشد و انتخابات را هم روسیه تایید کند. اینها تمام پیروزی برای روسیه و شکست محور آنگلو ساکسونی است. اگر زنسکی این وضعیت را نپذیرد، با شکست های بیشتری در حوزه میدانی مواجه خواهد شد، اوکراین بدون حمایت مستقیم آمریکا، قابلیت ادامه این درگیری را ندارد.

رشد اندیشه های چپ در قلب اروپا

مدبر با اشاره به پیامدهای اجتماعی حمایت اروپا از رژیم کی یف گفت، شورش های گسترده در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، یک سرش به این برمی گردد که این کشورها تحت پروژه آنگلو ساکسونی از رژیم کی یف حمایت کردند، به تصور اینکه می توانند روسیه را ۶ ماهه شکست دهند. بودجه این کشورها به اوکراین تریبق شد و در مقابل، خدمات اجتماعی مردمشان محدود شد؛ حقوق یازنشستگی و بیمه ها کاهش یافت. قیمت برق و انرژی به شدت افزایش پیدا کرد و تورم قابل توجهی به وجود آمد. وی افزود، امروز مارکسیسم در اروپا در حال رشد است و اندیشه های کمونیستی در حال گسترده شدن است؛ جوانان اروپایی با پرچم اتحاد همایر



انتخابات پارلمانی یا همان کنست در اراضی اشغالی روز سه شنبه پنج آبان برگزار می شود؛ تمامی شواهد و قرائن و نظرسنجی ها حکایت از شکست ائتلاف بنیامین نتانیاھو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در این انتخابات دارد. بر همین اساس، بسیاری معتقدند که نتانیاھو به هر دری خواهد زد تا انتخابات روز سه شنبه به تعویق بیفتد. بی بی یا همان نتانیاھو می داند که شکستش در انتخابات، مساوی با به زندان رفتنش است.

به گزارش «آگاه» کمتر از چهار روز به انتخابات داخلی رژیم صهیونیستی باقی مانده است و رقابت های انتخاباتی میان جریان راست گرایان به رهبری نتانیاھو و چپ گرایان به رهبری گادی آیزنکوت، وارد حساس ترین مرحله خود شده است. تمامی نظرسنجی ها در داخل اراضی اشغالی از جمله نظرسنجی کانال ۱۲ و تایمز آو اسرائیل، از فروپاشی ائتلاف حاکم حکایت دارند و بی بی در محاصره اتهامات مالی و شکست های میدانی، به ریسمان مهارناپذیر تعویق انتخابات آویزان شده است؛ چرا که باخت در کنست، برای او مترادف با عبور از دروازه های زندان است. بر اساس آخرین تحولات، کارزار انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی یا همان کنست که قرار است روز سه شنبه برگزار شود، وارد مرحله حساس و پرتنشی شده است. رقابت اصلی میان گادی آیزنکوت، رئیس حزب یشارو بنیامین نتانیاھو، رئیس حزب لیکود جریان دارد. اما هیچ یک از دو بلوک اصلی قادر به کسب اکثریت ۶۱ کرسی نیستند و احتمال بن بست سیاسی و انتخابات مجدد بسیار بالاست.

تلاش جلد برای فرار از انتخابات

در این میان نتانیاھو تلاش بسیاری دارد تا انتخابات کنست در روز سه شنبه برگزار نشود و این انتخابات به تعویق بیفتد. نتانیاھو با همان بی بی مترصد است تا با کلید زدن جنگ با ایران، شرایط را در داخل اراضی اشغالی، جنگی و اضطرابی کند و بدین واسطه، انتخابات کنست را به تعویق بیندازد. در همین راستا، هفته گذشته جنگنده های رژیم اشغالگر تا ۲۰۰ کیلومتری مرز ایران نیز رسیدند و قصد تجاوز داشتند اما به یکباره جلوی این تجاوز گرفته شد. از قرار معلوم، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، نتانیاھو را از تجاوز مجدد به ایران تا قبل از ۱۲ آبان که زمان انتخابات کنگره در آمریکا ست، منصرف کرده است. بی بی که در تجاوز به ایران ناکام ماند، حالا دست به دامن بحرانی کردن فضا در کرانه باختری شده است. روز جمعه خبر رسید که دو جوان انتحاری فلسطینی در الخلیل واقع در کرانه باختری، عملیات استشهادی انجام داده اند؛ نتانیاھو نیز فضا را مساعد دید و بلافاصله در کرانه باختری وضعیت جنگی اعلام کرد. از ظاهر امر چنین برمی آید که نتانیاھو می خواهد وضعیت امنیتی شکننده در کرانه باختری را دستمایه ای برای به تعویق انداختن انتخابات پارلمانی قرار دهد. نتانیاھو می داند که در صورت برگزاری انتخابات، از قریبش یعنی گادی آیزنکوت، فرمانده سابق ارتش توریستی اسرائیل شکست خواهد خورد. هر چند که ائتلاف آیزنکوت نیز در تصاحب ۶۱ کرسی کنست ناکام می ماند و نتیجتا اسرائیل در وضعیت بی دولتی و بن بست سیاسی قرار می گیرد. در چنین شرایطی حتی اگر تا برگزاری دور بعدی نتانیاھو همچنان در کرسی نخست وزیری موقت بماند، دیگر از مشروعت سیاسی لازم در سپهر سیاسی رژیم صهیونیستی برخوردار نخواهد بود. در نتیجه سایر ارکان قدرت در اسرائیل از جمله ارتش و موساد، دیگر از نتانیاھو حرف شنوی نخواهند داشت و پروژه های شیطانی او در تجاوز به ایران، الکن و ناقص می ماند.

رژیم اسرائیل در آستانه بن بست سیاسی

با وجود پشتتازی آیزنکوت، هیچ یک از دو بلوک اصلی یعنی حامیان و مخالفان نتانیاھو نمی توانند به تنهایی به آستانه ۶۱ کرسی برسند. جدیدترین نظرسنجی ها نشان می دهد بلوک مخالفان نتانیاھو بین ۵۱ تا ۵۴ کرسی و بلوک حامیان او بین ۵۰ تا ۵۳ کرسی در نوسان است. به همین دلیل، احزاب عربی با مجموع ۱۳ تا ۱۴

تحولات اخیر در روابط کی یف و واشنگتن و تقابل لفظی زنسکی با ترامپ، پرسش هایی را درباره سرنوشت جنگ اوکراین و نسبت آن با منافع ایران مطرح کرده است

روح الله مدبر، کارشناس مسائل بین الملل، جدیدترین نظرسنجی ها یازونامه «آگاه» ضمن تحلیل این تحولات، بر لزوم بازنگری وزارت خارجه ایران در رویکردش نسبت به رژیم کی یف تاکید کرد. تحولات اخیر در روابط کی یف و واشنگتن و تقابل لفظی زنسکی با ترامپ، پرسش هایی را درباره سرنوشت جنگ اوکراین و نسبت آن با منافع ایران مطرح کرده است. روح الله مدبر، کارشناس مسائل بین الملل، در گفت وگو با روزنامه «آگاه» ضمن تحلیل این تحولات، بر لزوم بازنگری وزارت خارجه ایران در رویکردش نسبت به رژیم کی یف تاکید کرد.

زنسکی هیچ گاه به نفع ایران بازی نکرده است

مدبر بار در صورت برخی که گمان می کنند زنسکی در تقابل با ترامپ ممکن است به نفع ایران عمل کند، اظهار کرد، به هیچ وجه زنسکی در زمین ایران و به نفع ایران بازی نمی کند؛ او مهره آنگلو ساکسون ها نیست، بلکه کلاما تحت فرمان انگلیسی ها مسیر را پیش می برد. حمله به کشتی ایرانی در دریای کاسپین و به شهادت رساندن یک موطن ایرانی توسط نیروهای رژیم کی یف، بخشی از دستوراتی بود که ناتو به زنسکی داده بود. وی افزود، زنسکی تنها فردی در اروپا ست که از اپوزیسیون ضد ایرانی حمایت می کند، سه بار با پهلوی ملاقات کرده و از الفاظ بسیار توهین آمیز علیه مقامات ایرانی استفاده می کند. او دائم با نتانیاھو در تماس است و از او می خواهد ایران را بمباران کند. بنابراین، تفاوتی بین خصومت زنسکی و نتانیاھو با ایران نیست.

این کارشناس مسائل بین الملل با انتقاد از رویکرد وزارت خارجه ایران تصریح کرد، خطای بزرگ عراقچی این بود که در مجمع عمومی سازمان ملل با وزیر خارجه رژیم کی یف ملاقات کرد؛ رژیمی که رسما جمهوری اسلامی را به رسمیت نمی شناسد و هموطن ایرانی را به شهادت رسانده است. یکی از خطاهای بزرگ استراتژیکی که عراقچی و وزارت خارجه انجام دادند این بود که مانع پاسخ ایران به حمله نیروهای رژیم کی یف شدند. این موضع، پیام مغفالتنه ای به طرف روس منتقل می کند. در حالی که همان اروپایی هایی که قرار بود رضایت شان جلب شود، با افتخار اعلام کردند در کنار آمریکا با ایران جنگیدند.

زنسکی نامشروع است

مدبر در تحلیل اختلاف ترامپ با زنسکی گفت؛ ترامپ رسما زنسکی را نامشروع و غیرقانونی می داند، چرا که از ۲۰۲۴ ه ۲۴ طبق قانون اساسی اوکراین، دوره ریاست جمهوری او پایان یافته و زنسکی به پنهان جنگ، حکومت نظامی را تصدید کرده و مانع برگزاری انتخابات شده است تا حضور خود را بر مردم اوکراین تحمیل کند. وی با اشاره به ناکامی راهبرد غرب در جنگ اوکراین افزود، رژیم کی یف شکست خورده و هیچ پیشروی ای نمی تواند انجام دهد. چهراسال است که ناتو مستقیما در کنار

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه: دستکم گرفتن توان ایران، سرانجامی جز شکست برای متجاوزان نخواهد داشت



عملیات الخلیل و فروریختن دژ امنیتی تل آویو

با این حال، ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی اذعان کرد هیچ هشدار مشخصی درباره این عملیات دریافت نکرده و اطلاعات ویژه ای درباره تهدید در منطقه الخلیل یا جاده ۳۵ در اختیار نداشته است. پس از عملیات، نظامیان رژیم اشغالگر به شهر الخلیل و منازل خانواده الجعبه یورش بردند و مسجد ابراهیمی را بستند. نظامیان اشغالگر همچنین کارکنان و خادمان وابسته به وزارت اوقاف و امور دینی را از مسجد ابراهیمی خارج کرده و از حضور آنها در این مکان جلوگیری کردند. ایتمار بن گویر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی، نیز پس از حضور در محل عملیات خواستار از بین بردن تشکیلات خودگردان فلسطین شد و گفت باید ایست های بازرسی بیشتری ایجاد شود و اجازه رفت و آمد آزادانه به فلسطینیان داده نشود. بنیامین نتانیاھو نیز در پی این عملیات برنامه انتخاباتی خود در بازار محنه بهودا در قدس اشغالی را لغو کرد و خبرگزاری فرانسه گزارش داد او دستور آماده سازی برای اعمال محاصره کامل بر کرانه باختری را صادر کرده است. کمیته های مقاومت فلسطین درواکنش به این عملیات تاکید کرد، این عملیات ضربه ای جدید به ساختار امنیتی، نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی وارد کرد و بار دیگر ضعف این ساختارها در مقابله با مبارزان فلسطینی را نشان داد. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین ضمن تمجید از عملیات الخلیل، آن را پاسخی طبیعی به جنایات اشغالگران دانست و شهادت مجربان این عملیات را تسلیت گفت. جنبش حماس اعلام کرد، عملیات الخلیل پیام روشنی به دشمن صهیونیستی است که مقاومت ما ادامه دارد و تا زمان بیرون راندن اشغالگران از سرزمین و مقدسات مان، بر قدرت و خشم آن افزوده خواهد شد. حماس این عملیات را تجسم زنده اراده ملت مقاوم فلسطین و پاسخ طبیعی و مشروع به جنایات و تعرضات مستمر اسرائیل علیه ملت، سرزمین و مقدسات فلسطینیان در کرانه باختری و قدس اشغالی و ادامه تجاوز علیه مردم غزه توصیف کرد.

رسانه های رژیم صهیونیستی جزئیات تازه ای از عملیات مسلحانه صبح جمعه در الخلیل منتشر کردند و گروه های فلسطینی آن را ضربه ای به ساختار امنیتی رژیم اسرائیل ارزیابی کردند.

شبکه کان رژیم اسرائیل گزارش داد دو مجری این عملیات از ساکنان شهر الخلیل بودند و به نظر می رسد با جنبش حماس ارتباط داشته اند. منابع عبری هویت آنها را «حموده الجعبه و فراس الجعب» اعلام کردند، بر اساس گزارش خبرنگار رادیو ارتش اسرائیل، هر دو ۲۷ ساله، از یک خانواده، ساکن الخلیل، متأهل و دارای دو فرزند هستند.

پایگاه عبری والا به نقل از تحقیقات اولیه گزارش داد، دو مبارز فلسطینی برای نظامیان اسرائیلی کمین کرده و پس از نزدیک شدن نظامیان به سوی آنها تیراندازی کردند. رادیو ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد، این دو نفر حدود ساعت ۷:۳۰ صبح جمعه به چهارراه بهودا در الخلیل رسیدند، جایی که نیروهایی از یگان آری وابسته به فرماندهی جبهه داخلی در حال بازرسی خودروهایی خروجی از الخلیل بودند. بر اساس این روایت، دو مجری عملیات با یک خودرو به ایست بازرسی موقت رسیدند و پس از پیاده شدن، با یک قیفه سلاح ام ۴ و یک کلت کمبری در اطراف منطقه موضع گرفتند و به سمت نظامیان تیراندازی کردند. درگیری بیش از ۲۰ دقیقه ادامه یافت و طی آن تبادل سنگین آتش صورت گرفت که به زخمی شدن شماری از نظامیان صهیونیستی منجر شد. در ادامه، چند فرمانده نظامی است که مقاومت ما ادامه دارد و تا زمان بیرون راندن اشغالگران از سرپازان وارد صحنه شدند و دو مجری عملیات در پایان درگیری به شهادت رسیدند. ارتش رژیم صهیونیستی مدعی شد مقدار زیادی مهمات در خودروی این دو نفر کشف کرده و اعلام کرد آنها قصد داشتند خود را به جاده ۳۵ برسانند و عملیات گسترده تری انجام کنند.

شوری سوسیالیستی در خیابان ها شعار می دهند و سرود کاتوشا را می خوانند.

این پیروزی روسیه است که تا قلب اروپا ورود پیدا کرده است. دلپش هم این است که دولت های اروپایی خدمات اجتماعی مردمشان را انقض کردند و پول این کشورها را به اوکراین بردند.

این کارشناس مسائل بین الملل تصریح کرد، روسیه طی حدود ۲۰ سال گاز نزدیک به رایگان به اروپا می داد و انرژی سهل الوصول روسی در توسعه این کشورها موثر بود، اما با حمله به خط لوله نورد استریم، اروپا مجبور شد گاز ده برابر قیمت را از آمریکا و اما به صورت سهمیه بندی بخرد. این کارشناس مسائل بین الملل گفت، شورش های گسترده ای را علیه حاکمان اروپایی به وجود آورده است.

هیچ معامله ای بین روسیه و آمریکا بر سر ایران وجود ندارد

مدبر بار د ادعای برخی جریان های غرب گرا مبنی بر معامله روسیه و آمریکا بر سر ایران و اوکراین گفت؛ این ادعا عکب است و هیچ ارتباطی به هم ندارد. روسیه چون در حوزه های نظامی، امنیتی و اقتصادی کاملا دست برتر را در اوکراین دارد. آمریکا مجبور شده شروط روسیه را بپذیرد. هیچ سندی در این زمینه وجود ندارد و همه اش ادعای شفاهی و دروغ غرب گرا هاست. وی تاکید کرد، پروژه اوکراین یک پروژه هویتی بین روس هاست و پروژه ایران متمایز است؛ اتفاقا روسیه از ایران حمایت می کند و جزو تنها کشوری است که حمایتش از ایران را در اباعد مختلف محدود نکرده و تمام تهدیدات و فشارهای آمریکا را نپذیرفته است. مبادلات تجاری، سیاسی و اقتصادی ما با روسیه کاملا باز است.

تاکید بر بازنگری در رویکرد وزارت خارجه نسبت به رژیم کی یف

مدبر در جمع بندی گفت، هیچ پیروزی برای اوکراین متصور نیست، حتی اگر آمریکا از آن حمایت کند؛ چون در این چهار سال کلاما حمایت کرد و پیروز نشدند. وعده انگلیسی ها بازپس گیری کریمه و چهار استان خرسون، دونتسک، لوگانسک و زاپاروژیه بود، اما یک متر هم پیشروی نکردند و تلفات فوق العاده بالایی می دهند. پس آمریکا عقب می آید چون این بازی دستاوردی ندارد. اما برای انگلیس مسئله حیثیتی است و راهی نخواهد داشت جز پذیرش شروط روسیه. باید دید در آینده فضا به کدام سمت می رود و آیا آنها به سمت جابه جایی زنسکی خواهند رفت یا خیر. وی در پایان تاکید کرد، وزارت خارجه ایران باید در رویکرد خود نسبت به ارتباط گیری با رژیم غیرقانونی کی یف تجدید نظر کند و همان گونه که زنسکی رسما ایران را با انواع هتاکی ها خطاب قرار می دهد، اعلام کند رژیم کی یف نامشروع و غیرقانونی است؛ چرا که هم هموطن ایرانی را کشته و هم از نتانیاھو می خواهد ایران بمباران شود. دیگر ملاقاتی با مقامات رژیم کی یف نکنند و سفارت اوکراین را هم در ایران تعطیل کنند. این نکته نهایی می بود.

هشدار صریح ایران

به آژانس بین المللی انرژی اتمی

۷۰ سال تناقض

نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی مستقر دروین با صدور بیانیه ای به مناسبت هفتادمین سالگرد تصویب اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی، از استانداردهای دوگانه و سکوت این نهاد در برابر تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته ای ایران انتقاد کرد و خواستار پایان اجرای گزینشی تعهدات و بازگشت آژانس به اصول بی طرفی، استقلال و اجرای کامل اساسنامه خود شد.

نمایندگی کشورمان تاکید کرد که آژانس نمی تواند در برابر حملات به تأسیسات هسته ای ایران پادمان سکوت کند و همزمان مدعی دفاع از اعتبار نظام پادمانی باشد. در این بیانیه، سکوت ارکان حاکم و دبیرخانه آژانس در برابر تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته ای ایران، قصوری جدی و بی سابقه در سطح نهادی توصیف شده و نسبت به پیامدهای سیاسی کاری، نقض محرمانگی اطلاعات و برخورد تبعیض آمیز با کشورهای عضو هشدار داده شده است.

نمایندگی ایران همچنین با اشاره به فقدان نظارت پادمانی جامع بر فعالیت های هسته ای رژیم صهیونیستی، از شورای حکام و مدیرکل آژانس خواست با پایان دادن به استانداردهای دوگانه، اجرای کامل و متوازن اساسنامه و احترام به حقوق مشروع کشورهای عضو را تضمین کنند. نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی مستقر در وین در بیانیه خود تاکید کرد که حملات به تأسیسات هسته ای تحت پادمان، مستلزم محکومیت قطرد و صریح است. حملات نظامی ایالات متحده و رژیم اسرائیل علیه تأسیسات هسته ای ایران در سال های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، نقض های جدی و ماهوی قاعده امره حقوق بین الملل نافذ بر موانعیت تجاوز محسوب می شدند. این حملات، چالشی خطربرای ایمنی هسته ای، تأسیسات هسته ای، استفاده های صلح آمیز از انرژی هسته ای، اعتبار آژانس بین المللی انرژی اتمی و نظام پادمانی آن ایجاد کردند.

در این بیانیه قید شده که کنفرانس عمومی و شورای حکام آژانس بارها قطعنامه هایی تصویب کرده اند که صراحتا اعلام می دارند حملات مسلحانه علیه تأسیسات هسته ای ایران خودداری یافته به مقاصد صلح آمیز یا تهدید به چنین حملاتی، ناقض اصول منشور ملل متحد، حقوق بین الملل و اساسنامه آژانس است. با وجود این، ارکان حاکم آژانس و دبیرخانه آن حتی از صدور بیانیه ای ساده در محکومیت اقدامات آشکار تجاوزکارانه علیه تأسیسات هسته ای ایران خودداری کردند؛ امری که در تاریخ آژانس بی سابقه است. این ناکامی، بیانگر قصوری جدی در سطح نهادهای است و پرسش های نگران کننده ای درباره اجرای منسجم اصولی مطرح می کند که آژانس مامور به پاسداری از آنهاست.



صبح، پیش از آنکه هیاهوی اتومبیل‌ها آسفالت خاکستری تقاطع را فتح کند، نبض خیابان دربوی مرکب تازه و ناشدن منظم صفعات کاغذ می‌زد. سال‌ها پیش، پیشخوان‌های فلزی نبش میدان‌ها دروازه ورود به جهان فکر و خبر بودند؛ مکان‌هایی که رهگذارن شتاب زده، دقیقه‌ای مکث می‌کردند تا سرنوشت جهان را در چند کلمه درشت مرور کنند. اما امروز، اگر در برابر یکی از همین کیوسک‌های آشنا بایستید، تصویری غریب چشمان تان را می‌نوازد؛ ردیف‌های متراکم از بسته‌های رنگارنگ سیگار، قوطی‌های نوشیدنی انرژی‌زا، قفسه‌های آدامس و تنقلات، جایگاهی را بلعیده‌اند که روزگاری جولانگاه اندیشه و اخبار مکتوب بود. این گزارش، روایتی است از همین مسخ خاموش؛ گذاری از کیوسک‌های بی‌کلمه پیاده‌رو به نمایشگرهای درخشانی که امروز تمام توجه ما را قیضه کرده‌اند؛ جایی که زیر بار هزاران کانال و تئوتیفیکیشن پی‌درپی دفن شده‌ایم، بی‌آنکه بدانیم چگونه باید در این سیلاب بی‌مرز اطلاعات، انسانی و بالغانه زیست.

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

ساعت هشت صبح، حوالی یکی از شلوغ‌ترین میدان‌های شهر، ده‌ها فلزی سفید رنگ جاشوش کرده است. از دور که نگاه می‌کنی، ساختار همان است، جعبه‌ای فلزی با سایه‌بانی سایه‌انداز بر پیاده‌رو و پیشخوانی که از دهه‌ها پیش برای عرضه تیتراهای طراحی شده بود. اما نزدیک‌تر که می‌شوی، معماری بصری کیوسک خبر از یک دگرگونی تام و تمام می‌دهد.

پیشخوان جلویی، یعنی دم‌دست‌ترین نقطه تماس با مشتری، قلمرو بی‌چون و چرای خوراکی است. پشت شیشه بر است از پاکت‌های نقره‌ای، مشکی و قرمز سیگار، فندک‌های فانتزی و توتون‌های اسانس‌دار که با نظمی وسواس‌گونه چیده شده‌اند. کمی آن‌سوتر، بسته‌های چیپس و پفک، آب معدنی و انواع نوشیدنی، جداره‌های بیرونی را تسخیر کرده‌اند. جست‌وجو برای یافتن یک تکه کاغذ، تلاشی بیپوده است. در گوشه‌ای‌ترین بخش پیشخوان، درختکی پاییز و لایه‌ای نازک از دوده خیابان، چهارپا پنج‌عنوان روزنامه به زور گریه‌های زنگ‌زده مهار شده‌اند.

چند خیابان آن‌طرف‌تر، به کیوسک دیگری سر می‌زنم؛ اینجا وضع آشفته‌تر است. هیچ روزنامه‌ای روی پیشخوان نیست، نه «کیهان» و «اطلاعات»، نه روزنامه‌های صبح و عصر، نه حتی یک ضمیمه ورزشی. وقتی از صاحب‌دکه می‌پرسم چرا روزنامه نیاروده، بی‌آنکه سرش را بچرخاند، شانه‌ای بالا می‌اندازد: «صرف نداره خاتم. مگه چند نفر میان روزنامه بخرن؟ روزی یکی، دو تا پیرمرد که اونم تا ساعت ۱۰ بیان، دیگه نمایان. پول پیش دکه رو سیگار و آب میوه درمیاره، نه کاغذ!»

در زاویه تریک و خلوت سمت چپ دکه، چند مجله با جلد‌های براق و رنگ‌ورفته به چشم می‌خورند. دست می‌کشم؛ لایه غلیظی از خاک روی تصویر جلد نشسته است. تاریخ روی مجله‌ها مال دست‌کم چهار ماه پیش است؛ عاوانپی در حوزه سلامت و سرگرمی که انگار همان‌جا منجمد شده‌اند. این مجلات دکور شده‌اند، نه برای خواندن، بلکه چون هنوز اسم این اتاقک‌های فلزی «دکه روزنامه فروشی» است و قانوناً باید نشانه‌ای از کاغذ در آنها باقی‌بماند تا احتمالاً جوازشان معنا پیدا کند؛ پوسته‌ای بدون هسته، تابویی بدون محتوا.

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

تحوالات نظامی و سیاسی، زمانی به درک عمیق‌تری از سوی جامعه منجر می‌شوند که از سطح اخبار روزانه فراتر بروند و در قالب روایتی منسجم، نسبت میان رویدادها و پیام‌های آنها برای مخاطب روشن شود. در چنین شرایطی، روایتگری تنها به بازگویی اتفاقات محدود نمی‌شود؛ بلکه به تلاش برای تبیین زمینه‌های شکل‌گیری رویدادها، شناخت عوامل موثر بر آنها و فهم جایگاه کشور در معادلات منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌شود. از این منظر، روایت پیشرفت نیز صرفاً به بیان دستاوردها نمی‌پردازد، بلکه مسیر شکل‌گیری یک حرکت، چگونگی مواجهه با خلا‌ها و موانع و ظرفیت‌هایی را دنبال می‌کند که به گسترش یک تجربه در جامعه منجر شده‌اند.

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

یکی از نمونه‌های این رویکرد، شکل‌گیری شبکه‌ای از راویان مردمی با محوریت تبیین تحولات فلسطین و سپس گسترش این روایتگری به ایجاد منطقه‌ای و جهانی جنگ است؛ حرکتی که از احساس نیاز به روایت واقعیت‌های میدان آغاز شد و در ادامه، با استفاده از نقشه و گفت‌وگوهای مردمی، تلاش کرد تصویری کلان‌تر از تحولات پیش روی جامعه قرار دهد. در این مسیر، تجربه‌های افراد و گروه‌های مختلف، از حضور در تجمعات و میدان‌های شهری تا فعالیت در مدارس و بسترهای مجازی، به عاملی برای توسعه و تکثیر این حرکت تبدیل شده است. پویش «راوی جنگ شو» در همین چارچوب قابل بررسی است؛ تجربه‌ای که بر نقش مردم در انتقال روایت، ضرورت شناخت ابعاد جهانی جنگ و اهمیت مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی، به ویژه معلمان و دانش‌آموزان، تأکید دارد. در این الگو، مردم تنها دریافت‌کننده محتوا نیستند، بلکه خود به بخشی از فرآیند روایتگری تبدیل می‌شوند و با به‌اشتراک گذاشتن تجربه‌های‌شان، زمینه‌گسترش این حرکت را فراهم می‌کنند. برای بررسی چگونگی شکل‌گیری این حرکت، نسبت روایتگری با فهم تحولات جهانی و نقش مردم در تداوم آن، با روح‌الله سلیمی فرد، مسئول رویداد «راوی جنگ شو» گفت‌وگو کردیم. او در این گفت‌وگو از مسیر شکل‌گیری شبکه راویان، ایده محوری پویش «ایران جهان» و ضرورت تقویت نگاه جهانی در جامعه می‌گوید:

■ **فعالیت مجموعه «راوی جنگ شو» از کجا آغاز شد و چه مسیری را طی کرد تا به شکل‌گیری پویش «ایران جهان» تبدیل؟**

فعالیت ما از زمان عملیات طوفان الاقصی آغاز شد. در آن مقطع، احساس می‌کردیم خلأ جدی در روایت مقاومت وجود دارد، به این



روایتی از تغییر کاربری کیوسک‌های روزنامه‌فروشی که روزگاری محل تعامل و مباحثه بودند

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

روزگاری که کیوسک‌ها وجدان شهر بودند

دیدن این صحنه صرفاً یک افسوس نوستالژیک برای نبود روزنامه در دکه‌ها نیست؛ روایتی از فروپاشی یک نهاد فرهنگی کوچک در دل شهر است. دکه‌های مطبوعاتی در دهه‌های گذشته فقط محل دادوستد اقتصادی نبودند، آنها میدان‌های کوچک گفت‌وگو بودند. تیتروانی سرپایی، خرده فرهنگی زنده و پویا بود. هر رهگذری از کارمند و معلم گرفته تا دانشجو و کارگر، پیش از شروع روزمرگی، کنار دکه می‌ایستاد. گاه همان‌جا بحثی درمی‌گرفت؛ تیتر یک این روزنامه چه گفت و آن یکی چه موضعی گرفت؟ پیشخوان دکه، نقشه‌زنده دغدغه‌های جامعه بود. عیار آگاهی عمومی در همان ایستادن‌ها و ورق‌زدن‌ها و توریق‌ها شتاب‌زده سنجیده می‌شد.

روزنامه‌فروش محله، تنها یک فروشنده نبود؛ او نوعی معتمد فرهنگی و نبض سنج بود. می‌دانست فلان معلم بازنشسته طرفدار کدام مجله است، جوان دانشجوی کوجه رویه‌رو، صفحه کدام روزنامه را پی می‌گردد و اهالی محل برای کدام ویژه‌نامه لحظه شماری می‌کنند. کیوسک مطبوعاتی، لنگرگاه مکث در

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

جنگ روایت‌ها، میدان اصلی نبرد با دشمن است

ایرانی که ساختیم

معناکه حتی بخشی از جامعه مذهبی و انقلابی نیز شناخت دقیقی از واقعیت فلسطین و آنچه در این میدان می‌گذشت، نداشت. همین مسئله موجب شده بود کش‌های جدی و گسترده‌ای متناسب با ابعاد تحولات شکل بگیرد.

بر همین اساس، تلاش کردیم روایت واقعیت‌های میدان را به مردم منتقل کنیم. در این مسیر، بیانات و دیدگاه‌های حضرت آقا درباره فلسطین و مقاومت را استخراج کردیم و در قالب داستان روایت در اختیار مردم قرار دادیم. الگوی ما نیز بر مبنای روایتگری مردمی بود؛ به این معنا که هر فرد پس از دریافت و درک روایت، آن را برای دیگران بازگو کند و تجربه خود از روایتگری را با دیگران به اشتراک بگذارد. این تجربه‌ها می‌توانست افراد بیشتری را به مشارکت در این حرکت ترغیب کند.

به تدریج، شبکه‌ای از راویان در نقاط مختلف کشور شکل گرفت که موضوع فعالیت‌شان روایت فلسطین و نسبت تحولات این منطقه با جامعه ایران بود. پس از جنگ ۱۲ روزه، دامنه این روایتگری را گسترش دادیم؛ زیرا معتقد بودیم برای فهم اتفاقات داخل کشور نیز باید از محدوده جغرافیایی ایران فراتر رفت و تحولات منطقه غرب آسیا را در کنار یکدیگر دید. در ادامه به این جمع‌بندی رسیدیم که برای درک دقیق تر اتفاقات، باید تصویری کلان‌تر از تحولات جهان ارائه کنیم. در همین چارچوب، نقشه‌ای از جهان طراحی کردیم و نام آن را «ایران جهان» گذاشتیم. تلاش کردیم با استفاده از این نقشه و با تکیه بر نشانه‌های تغییرنظم جهانی که در بیانات حضرت آقا مطرح شده بود، این مسئله را برای مردم توضیح دهیم که تحولات جاری را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک درگیری محدود میان ایران و آمریکا تحلیل کرد.

از نگاه ما، جنگ جاری سه ویژگی اساسی داشت: جهانی، وجودی و فوری بودن. اگر این ویژگی‌ها به درستی درک نشوند، ممکن است جامعه دچار خطای محاسباتی شود. تحولات را صرفاً از دریچه اتفاقات داخلی ببیند یا روایت‌های ناقص و نادرستی از صحنه دریافت کند.

با آغاز جنگ ۶۰ روزه، از دهم اسفند، نقشه «ایران جهان» را به فضای میدانی و تجمعات مردمی آوردیم. هدف این بود که مردم در کنار حضور در خیابان، تصویری روشن‌تر از ماهیت جنگ و ارتباط آن با تحولات بین‌المللی داشته باشند. شبکه‌ای از راویان شکل گرفت که ماموریت داشتند نقشه را در میدان‌ها و فضا‌های عمومی نصب کنند و درباره آن با مردم به گفت‌وگو بپردازند. این فعالیت به تدریج در شهرهای مختلف گسترش یافت و معلمان و دانش‌آموزان و گروه‌های گوناگون اجتماعی نیز به آن پیوستند.

یکی از ویژگی‌های مهم این حرکت، مردمی بودن آن است. افراد تجربه‌های خود را از شوه‌های مختلف روایتگری به اشتراک

شتاب بی‌امان شهر بود؛ توقفی هرچند کوتاه برای نگاه کردن به ذائقه فرهنگی و اجتماعی جامعه.

امروز ما کارکرد آن لنگرگاه از بنیان واژگون شده است. شتاب عابران بیشتر شده، اما مکث‌ها تغییر ماهیت داده‌اند؛ عابر می‌ایستد، یک نخ سیگار و یک فندک می‌گیرد و بی‌آنکه حتی نیم‌نگاهی به آن چند صفحه خاک‌گرفته گوشه پیشخوان بیندازد، در شلوغی پیاده‌رو گم می‌شود. کیوسک، از کانون توزیع آگاهی به ایستگاه فروش مصرف‌آنی تنزل یافته است.

ما هزاران کانال سرگردان

روشن است که دکه‌های بی‌دلیل‌حالی از کاغذ نشدند. کلمه نمرده است؛ بلکه جایگاهی از پیشخوان فلزی پیاده‌رو به صفحه شیشه‌ای و نورانی تلفن‌های همراهمان مهاجرت کرده است. امروز دیگر نیازی نیست منتظر ساعت هفت صبح بمانیم تا با روات‌های توزیع مطبوعات تخلیه شود. هر شهروند، بالقوه در محاصره هزاران کانال تلگرامی، صفحات اینستاگرامی، خبرگزاری‌های برخط و پیام‌رسان‌هاست. اخبار، پیش از آنکه دبیر تحریریه تیترش

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.



روایتی از تغییر کاربری کیوسک‌های روزنامه‌فروشی که روزگاری محل تعامل و مباحثه بودند

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

دکه‌های بی‌کلمه

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

را نهایی کند، در شبکه‌های اجتماعی پاره‌پاره و تکثیر شده است. حادثه‌ای در آن سوی اقیانوس یا زلزله‌ای در گوشه‌ای دورافتاده از کشور، درکسری از تانبه‌با عکس، ویدیو و صدای شاهدان عینی در جیب ما می‌لرزد.

ظاهراً ما پیروز شده‌ایم، سرعت نامحدود، دسترسی رایگان و دسترسی به اقیانوسی از اطلاعات. اما در بطن این پیروزی، فرجه‌ای خاموش در جریان است. آن دکه‌های مطبوعاتی با تمام محدودیت‌های‌شان، حامل نوعی ساختار و نظم فکری بودند. خبری که به صفحه اول روزنامه می‌رسید، از فیلتر راستی‌آزمایی، انتخاب، تحلیل و سنجش اهمیت اجتماعی عبور می‌کرد. خواننده با تأییدیه شخصی مواجه بود به نام «سردبیر» که مسئولیت فیلتر و معنابخشی به وقایع روز را بر عهده داشت. اکنون اما، با پدیده‌ای رویه‌روایم به نام «اضافه‌بار اطلاعاتی». در کانال‌های بی‌پایان خبری، هیچ نظمی جز سرعت وجود ندارد. خبر مرگ فلان مقام در فلان کشور کنار آگهی افزایش قیمت بنزین، تحلیل بحران‌های جهانی در کنار شایعه‌ای بی‌اساس درباره یک بیماری، همه با یک فونت و در یک خط زمانی به مغز ما شلیک

یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

می‌شوند. این انفجار اطلاعاتی، برخلاف تصور اولیه، به آگاهی عمیق‌تر منتهی نشده؛ بلکه توجه انسان را مثله کرده است.

فقدان بلوغ در عصر همه‌چیزدانی

مسئله اصلی در همین نقطه نهفته است؛ روان، ادراک و ذهن انسان برای این میزان از بمباران پیام‌ها طراحی نشده است. اجداد ما برای قرن‌ها در چرخه‌هایی با سرعت مشخص زیسته‌اند؛ خبرها با کاروان‌ها می‌آمد، سپس با تلگراف و بعد با نسخه‌های چاپی روزنامه‌ها. ذهن انسان زمان داشت تابشود، هضم کند، بسنجد و در یافتار زیست خود به آن معنا دهد. اما ابزارهای دیجیتال با جهشی متولد شدند، بدون تمهید فلسفی و روانی برای پذیرش آنها. ما کانال‌های خبری نامحدود داریم، اما رژیم مصرف‌رسانه‌ای نداریم. ما ابزارها را به سرعت برق‌وباد خریده و نصب کرده‌ایم، اما سواد یا مدلی بالغانه برای حضور در آنها را نیاموخته‌ایم. در این اقیانوس پراشوب، ما دیگر مخاطب نیستیم؛ ما مصرف‌کنندگان مسخ‌شده محرک‌های عصبی‌ناشی از تازگی مدام اخباریم. هر صدای هشدار، تلفن همراه، پاسخی اضطرابی در ما ایجاد می‌کند. ما هر چند دقیقه یک‌بار در بمباران اخبار قرار می‌گیریم، گویی ترسی بی‌پایان از «از دست دادن» به جانمان افتاده است. اما حاصل این پیمایش بی‌پایان چیست؟ اضطرابی ماندگار، سطحی‌نگری مفرط و احساس فلج‌شدگی ذهنی. ما همه چیز را می‌انیم، اما شاید هر آنچه بدیم و شنیدیم را عمیقاً درک نکنیم؛ رویدادها را در ۱۰ کلمه می‌خوانیم، چند قطره خشم یا اندوه تولید می‌کنیم و سه ثانیه بعد با کشیدن انگشت روی صفحه به سوژه‌ای نامربوط پرتاب می‌شویم. این زیست‌نارس و خام در درستر رسانه‌ها دیجیتال، ما را از خرد دور کرده و به موجوداتی بدل ساخته که در عین اتصال دائم، از همیشت تنهاتر و سردرگم‌ترند.

بازگشت به نیازی بی‌پایان معنا

در بازگشت از میان خیابان، دوباره نگاهم به دکه می‌افتد. مرد جوانی پاکت سیگاری می‌خرد. خط نایلون آن را از روی نور قرمز باز می‌کند، یک سیگار بیرون می‌کشد و آتش می‌زند و همزمان سرش را در گوشه هوشمندش فرو می‌برد. او کلمات روزنامه‌ای را که پیش چشمش خاک می‌خورد نخواند. اما بی‌شک اکنون در حال خواندن ده‌ها خبر تکه‌تکه در فضای مجازی است؛ بدون آنکه بداند کدام‌یک حقیقت دارد و کدام‌یک ذهن او را به استعمار کشانده است.

دکه‌های مطبوعاتی با آن پیکره‌های زخم‌ت و خارنه انگیز، نمادی از عصری بودند که در آن، دانستن ارزش وقت گذاشتن، بهای مادی پرداختن و تامل کردن داشت. ناپدید شدن تدریجی روزنامه از این دکه‌ها، تنها مرگ یک رسانه فیزیکی نیست؛ هشدار زنده است درباره نوع مواجهه ما با حقیقت. دکه اگر بخواهد صرفاً به ذخایات فروشی تقلیل یابد، در نهایت روزی هویت شهری‌اش را به تمامی می‌بازد و جمع می‌شود. اما تازادی عمیق‌تر در ذهن عابران رخ داده است؛ مایی که ابزار ارتباطی سال ۲۰۲۶ را در دست داریم، اما بلوغ روانی و فرهنگی لازم برای مواجهه سنجیده با آن را نداشته‌ایم. شاید روزی دوباره نیاز به گزیده‌خوانی، آهستگی و سکوت ما را وادار کند که بایستیم. مکث کنیم و از خود بپرسیم در میان این هزاران کانال پرسروصدا، به دنبال چه می‌گشیم که آن را گم کرده‌ایم؟ تا آن روز، دکه‌های نبش میدان، همچنان سیگار خواهند فروخت و چند روزنامه خاک‌گرفته در پس‌زمینه، با خاموشی به سقوط آرام تفکر بر سنگفرش شهر شهادت خواهند داد.



نیاید اجازه داد که همه بحث‌های مربوط به بازآرندگی به مطالبه دستپایی به سلاح‌های خاص محدود شود؛ زیرا چنین رویکردی ممکن است مولفه‌های دیگر قدرت را به حاشیه ببرد. برای نمونه، اظهارات دونالد ترامپ درباره اینکه برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای می‌توانست محاسبات او را تغییر دهد، از نظر ما نشان می‌دهد که دشمن تلاش می‌کند بحث قدرت را در چارچوبی مشخص تعریف کند. در مقابل، ما باید بتوانیم درباره دیگر مولفه‌های قدرت، از جمله اراده مردم و ظرفیت ایستادگی جمعی، نیز روایت روشنی ارائه دهیم.

به اعتقاد ما، حضور مردم در میدان و حفظ انسجام اجتماعی می‌تواند محاسبات طرف مقابل را تحت تأثیر قرار دهد. از همین رو، یکی از اهداف اصلی دشمن را تلاش برای ناامید کردن مردم، کاهش حضور اجتماعی و تضعیف این انسجام می‌دانیم. روایت «ایران جهان» می‌کوشد با تبیین ابعاد جنگ و تقویت درک عمومی از شرایط، در برابر چنین فضایی بایستد.

■ **پویش «راوی جنگ شو» در چه قالب‌هایی ادامه پیدا کرده و چه برنامه‌ای برای گسترش آن در میان معلمان، دانش‌آموزان و فضای مجازی دارید؟**

با وجود گذشت بیش از ۲۰۰ شب از تجمعات این پویش نه تنها به پایان نرسیده است، بلکه دامنه فعالیت‌های آن گسترش یافته است. در ابتدا، بخش مهمی از فعالیت ما در میدان‌ها و تجمعات مردمی انجام می‌شد؛ اما به تدریج، مدارس، گروه‌های آموزشی و بسترهای مجازی نیز به عرصه‌های تازه روایتگری تبدیل شدند. در حال حاضر، معلمان و دانش‌آموزان در نقاط مختلف کشور در این زمینه فعالیت می‌کنند. همچنین، کمپین‌هایی در شبکه‌های اجتماعی و بسترهایی مانند شاد و اپتا شکل گرفته است. راه‌اندازی و رونمایی از بستر اینترنتی جدید مدرسه نیز می‌تواند

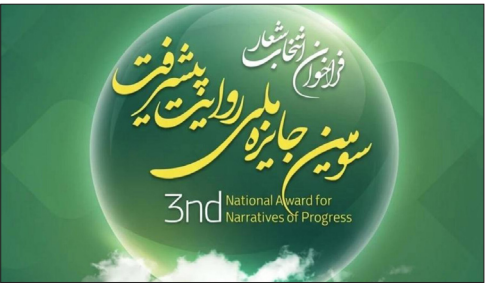
یک کیوسک قدیمی در تهران، نمادی از دنیای پیش از دیجیتال.

با تصمیم شورای سیاست گذاری نمایشگاه کتاب تهران نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درآذر برگزار خواهد شد



با نظر نشست شورای سیاست گذاری سی وهفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران، به منظور جلوگیری از تداخل برنامه ها و حفظ کیفیت این رویدادها با نمایشگاه کتاب، زمان برگزاری این رویداد، آذر تعیین شد. به گزارش «آگاه» به نقل از روابط عمومی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشست شورای سیاست گذاری سی وهفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با حضور محسن جوادی، معاون امور فرهنگی و رئیس نمایشگاه کتاب تهران، ابراهیم حیدری، قائم مقام نمایشگاه و سایر اعضای شورا با محوریت تعیین تکلیف ابعاد اجرایی این رویداد ملی برگزار شد. در این نشست که با حضور اکثریت اعضای شورا برگزار شد، اعضا با نگاهی دقیق به تقویم فرهنگی و ظرفیت های موجود به بررسی زمان بندی برگزاری نمایشگاه پرداختند. در جریان این نشست، معاونت امور فرهنگی برای برگزاری نمایشگاه در آبان (همزمان با هفته کتاب) اعلام آمادگی کرد. با این حال، پس از تبادل نظر و بررسی های کارشناسی، اعضای حاضر در شورا براین باور بودند که تفران زمانی و ترکیب برنامه های هفته کتاب با نمایشگاه بین المللی، موجب تمرکززدایی و کاهش کیفیت اجرایی، تبلیغاتی و رسانه ای هردو رویداد خواهد شد. در نهایت، با توافق اعضا مقرّر شد به منظور حفظ سطح کیفی نمایشگاه و جلوگیری از هم پوشانی برنامه ها، نمایشگاه در ماه آبان برگزار نشود و در عوض، در طول هفته کتاب تمرکز فعالیت ها و حمایت های مالی بر محوریت کتابفروشی ها و اجرای طرح هایی نظیر بازار کتاب و طرح های فصلی معطوف شود. همچنین بر اساس تصمیم این شورا، سی وهفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در آذر برگزار خواهد شد.

فراخوان انتخاب شعار «سومین دوره جایزه ملی روایت پیشرفت، اعلام شد معرفی و الگوسازی دستاوردها و پیشرفت های کشور

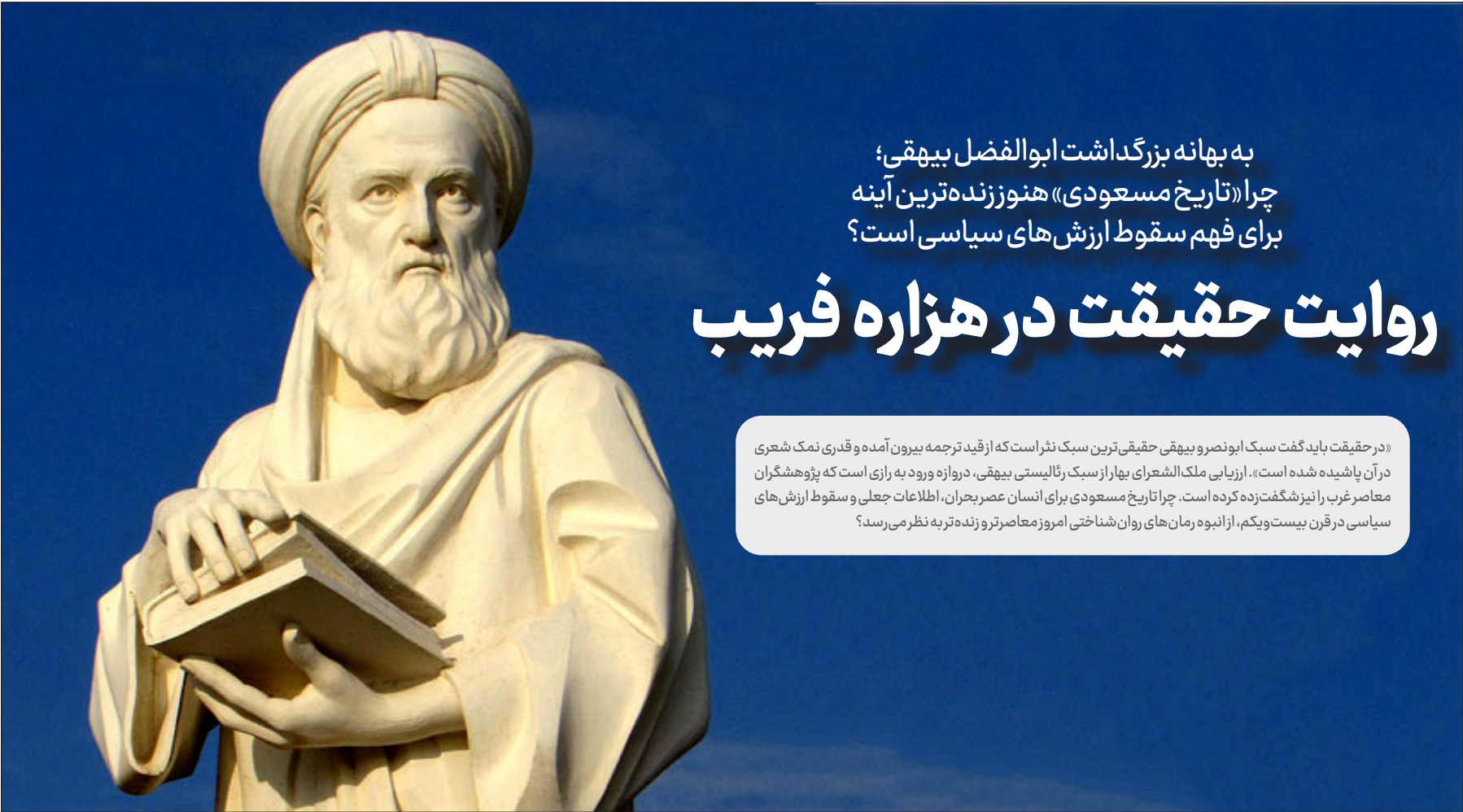


دبیرخانه جایزه ملی روایت پیشرفت، فراخوان عمومی انتخاب شعار محوری سومین دوره این رویداد را با هدف مشارکت علاقه مندان و فعالان حوزه روایت پیشرفت اعلام کرد. به گزارش «آگاه» این رویداد ملی با هدف شناسایی، معرفی و الگوسازی از دستاوردها و پیشرفت های کشور و در راستای تقویت نهضت بازنمایی افتخارات ایران اسلامی، فراخوان عمومی انتخاب شعار محوری سومین دوره خود را اعلام کرد. دبیرخانه جایزه ملی روایت پیشرفت در گام سوم این رویداد، در نظر دارد با مشارکت، هم اندیشی و دریافت ایده های خلاقانه عموم علاقه مندان، اهالی رسانه، روائان پیشرفت، پژوهشگران و تشکل های دانش آموزی و دانشجویی، شعار رسمی این دوره را تهیه بر خرد جمعی گردانند. براساس این فراخوان، تمامی کنشگران و دغدغه مندان عرصه روایت پیشرفت می توانند از ۲۶ مهر لغایت ۱۱ آبان، عبارت ها و شعارهای پیشنهادی خود را (حداکثر دو پیشنهاد برای هر شرکت کننده) از مسیرهای زیرارسال کنند. پیام رسان به:ارسال به شناسه @Nabze_Pishraft تارنمای رسمی رویداد: rpish-raft.ir

پس از پایان مهلت ارسال، پیشنهادهای دریافتی توسط هیات داوران ارزیابی و شعار برگزیده سومین دوره رسماً معرفی خواهد شد تا محور اصلی فعالیت های رسانه ای، تبیینی و عملیاتی این رویداد ملی قرارگیرد.

سومین جشنواره رسانه ای بهارستان برگزار می شود تولیدات رسانه ای مجلس

مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سومین «جشنواره رسانه ای بهارستان» را با هدف ارتقای سطح کیفی تولیدات رسانه ای و تعامل بیشتر با اصحاب رسانه برگزار می کند. به گزارش «آگاه» مرکز ارتباطات، رسانه و امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سومین «جشنواره رسانه ای بهارستان» را با هدف ارتقای سطح کیفی تولیدات رسانه ای و تعامل بیشتر با اصحاب رسانه برگزار می کند. موضوعات این جشنواره عبارت است: «مجلس، جنگ تحمیلی سوم و ملت مبعوث»، «مجلس و حفظ اتحاد و انسجام ملی»، «تحلیل و تفسیر مصوبات مجلس شورای اسلامی»، «تبیین مصوبات مجلس به زبان ساده برای عموم مردم»، «مجلس و دیپلماسی پارلمانی»، «زنان و مجلس»، «نظارت میدانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی»، و «روایت و انعکاس استمار فعالیت های مجلس در شرایط جنگی.» این جشنواره در پنج قالب تولیدات مکتوب (شامل گزارش، گفت وگو، یادداشت، تیترو خبر)، آثار تصویری و صوتی، تولیدات فضای مجازی، تولیدات گرافیکی و عکس و بخش ویژه برگزار می شود. مهلت ارسال آثار به دبیرخانه جشنواره ۱۰ آبان ۱۴۰۵ و زمان اختتامیه این رویداد آذر ۱۴۰۵ اعلام شده است. متقاضیان می توانند برای ارسال آثار و کسب اطلاعات بیشتر به وب سایت bmfe.parliran.ir مراجعه کرده و در صورت داشتن هرگونه سوالی با شماره تماس های ۰۹۹۱۲۰۷۰۳۹۶ و ۰۲۱۳۹۹۳۲۵۲۷ تماس حاصل کنند.



به بهانه بزرگداشت ابوالفضل بیهقی؛ چرا «تاریخ مسعودی» هنوز زنده ترین آینه برای فهم سقوط ارزش های سیاسی است؟

روایت حقیقت در هزاره فریب

«در حقیقت باید گفت سبک ابونصرو بیهقی حقیقی ترین سبک نثر است که از قید ترجمه بیرون آمده و قدری نمک شعری در آن پاشیده شده است». از زیبایی ملک الشعراء بهار از سبک رئالیستی بیهقی، دروازه ورود به رازی است که پژوهشگران معاصر غرب را نیز شگفت زده کرده است. چرا تاریخ مسعودی برای انسان عصر بحران، اطلاعات جعلی و سقوط ارزش های سیاسی در قرن بیست و یکم، از انبوه رمان های رواق شناختی امروز معاصر تر و زنده تر به نظر می رسد؟

پاسخ در نوع نگاه بیهقی به امر واقع نهفته است؛ او تاریخ را نه و پترینی از پیروزی های صنعتی حاکمان، بلکه صحنه ای پیچیده از تناقض های روانی، حرص مهارنا پذیر و حماقت های سیستماتیک ساختار قدرت می دید. انسان امروز در گزارش های هزاره پیشین او، بازتاب همان سازوکارهای آشنایی را می باید که قدرت های خودکامه را به لبه پرتگاه می کشانند.

کارگزار خستگی ناپذیر

ابو الفضل محمد بن حسین بیهقی، دبیر معمولی یا ادیبی گوشه نشین نبود که در برج عاج نشسته باشد. او نزدیک به دو دهه در حساس ترین کانون سیاسی شرق خلافت، یعنی دیوان رسائل غزنویان، دستیار بلا فصل و معتمد بونصر مشکان بود؛ استادی فرزانه و فن دان که پیچیده ترین

ساموئل پیپس، بیهقی غربی

کلیفورد ادموند باسورث در جستار بنیادین «یک ساموئل پیپس شرقی؟ خاطرات ابوالفضل بیهقی از زندگی درباری در شرق ایران و افغانستان»، پیوند ارزنده ای میان بیهقی و ساموئل پیپس، وقایع نگار و کارمند برجسته نیروی دریایی انگلستان در سده هفدهم میلادی برقرار می کند. هر دو شخصیت، کارگزارانی وفادار در قلب دستگاه دولتی بودند که تمام وقت خود را صرف رسیدگی به اسناد رسمی می کردند، اما

نگاهشان فراتر از مکاتبات اداری می رفت.

بیهقی نمونه کارمندی بی نهایت منظم، خسته از نفاق ساختار حاکم، اما شقیفته کشف ریشه های روانی انسان بود. او نیمه شب ها، پس از پایان غوغای دیوان و هنگامی که امیر و چالپوسان به خواب می رفتند، کاغذها را پیش می کشید تا نجوایهای پنهانی را رهروها، حرکات چشم مفسدان و خصلت های پست انسانی را ثبت کند. او دربار غزنوی را همانند پیپس از قالب افسانه های دست نیافتنی بیرون کشید و آن را به مثابه شبکه ای پر تنش از جاه طلبی ها، حسادت های فردی و ترس های روزمره به روی کاغذ آورد.

اسناد امنیتی، نامه های دیپلماتیک و احکام عزل و نصب را تنظیم می کرد. بیهقی در این اتاق های تاریک و محرمانه، تماشاگری دست اول بود؛ مردی که صدای افول تصمیم گیری عقلانی را در انتقال قدرت از عظمت پرهیت سلطان محمود به خودسری های لجام گسیخته سلطان مسعود از نزدیک شنید. بیهقی پس از مرگ مسعود، چرخ دنده های بی رحم توطئه را بر تن خود نیز حس کرد. او به حبس کشیده شد، از کار برکنار شد و بخش اعظمی از بایگانی یادداشت ها و دفاتر دست نوشتش در غارت ها و دگرگونی های سیاسی، طعمه آتش شد یا از کف رفت. اما نوع بیهقی در این بود که در ۶۵ سالگی، در اوج تهی دستی، انزوا و حاشیه نشینی در غزنه، بی آنکه به صله یا دشاهی یا جلب رضایت کارگزاری امید داشته باشد، قلم به دست گرفت. هویت او به مثابه دیوان سالاری کارگشته که پرده نشین تصمیم گیری های پشت درهای بسته بود، به وی امتیازی بی مانند بخشید. او توانست تاریخ را نه از دید اسطوره ها، بلکه از چشم انداز عینی اسناد دولتی و خطاهای هولناک سران امپراتوری بازآفرینی کند.

پیشگام ناداستان خلاق و پیوند حقیقت با جاذبه دراماتیک

مریلین رابینسون والدمن در اثر جریان ساز خود، «به سوی نظریه ای در باب روایت تاریخی»، توضیح می دهد که بیهقی حدود ۹ قرن پیش از پیدایش روزنامه نگاری تحقیقی و ناداستان خلاق در غرب، مسئله دیرینه شکاف میان وفاداری به وقایع تاریخی و جذابیت ادبی را حل کرده است. مانیفست بیهقی تزلزل ناپذیر است؛ «در تاریخی که می کنم سخی نرانم که آن به تعصبی و تمایلی کشد و خوانندگان این تصنیف گویند شرم باد این پیر را! بلکه چیزی نویسم که تأثم نشود و ملک العادل انوشیروان این کار کرده است... و غرض من آن است که تاریخ پایه ای بنویسم و بنای بزرگ افراشته گردانم، چنان که ذکر آن تا آخر روزگار باقی ماند.» و در جای دیگری می گوید: «و اخیراً چون به عرضه من آید، سندی باید یا گوینده ای ثقه.» او حتی شایعات پذیرفته شده در اقواء را رد می کند تا حقیقت تاریخی بی پشتوانه نماند.

با این وجود، متن بیهقی بر خلاف سالنامه های دیوانی دیگر، هرگز فهرستی مرده از رخدادها نیست. والدمن نشان می دهد که او سند تاریخی را با تکنیک های روایی زنده می کند؛ بیهقی تنش روانی صحنه ها را با توصیف زبان بدن، لرزش شقیقه ها، تغییر رنگ چهره وزیران و حتی جنس ردای ابریشمین یا کهنه محکومان بازسازی می کند. در بازآفرینی مجلس های شراب خواری یا مذاکرات تنش آلود شبانه، خواننده صدای به هم خوردن سفالینه ها و بازتاب نور شمع ها بر چهره های مضطرب را حس می کند. بیهقی نشان داد که سندیات ادراک حسنی فضا و دراماتیزه کردن کنش ها دامرئزد، سندی ماندگارتر از هر گزارش اداری خام خواهد ساخت.

کنایه روایی؛ زبان استعار در برابر سلطه سانسور

جولی اسکات میمی در پژوهش ماندگار «حقایق و دروغ ها، طنز کنایی و دیسیه در تاریخ بیهقی»، مکانیسمی را تحلیل می کند که بیهقی برای گریز از تیغ استبداد حاکم به کار بست. در درباری که کوچک ترین جسارت علنی

از اجرای آثار شوبرت و خاچاطوریان تا ادای احترام نصیر حیدریان به پیشکسوتان موسیقی ایران

ارکستر سمفونیک تهران «به سبک ایتالیایی» نواخت

آن دوران مانند و آموزش موسیقی را ادامه دادند.

او یادآور شد، این استادان حتی در دوره تعطیلی ارکسترها و هنرستان ها نیز از آموزش دست نکشیدند و با عشق و تعهد، زمینه پرورش نسل های بعدی موسیقی دانان را فراهم کردند.

حیدریان همچنین با اشاره به حضور مجید اسما عیلی، تکنواز ویولنسل این کنسرت، از مهارت و استمرار فعالیت هنری او در ۶۵ سالگی قدردانی کرد و ابراز امیدواری کرد که نام و خدمات این پیشکسوتان تا زمانی که ایران و موسیقی ایران پایرجاست، در یادها باقی بماند.

مجید اسما عیلی نیز پس از اجرای این اثر، با ابراز خرسندی از حضور در این برنامه، همکاری را نصیر حیدریان را افتخاری ارزشمند دانست و از رهبر ارکستر برای پذیرفتن این همکاری قدردانی کرد.

پایان کنسرت با سمفونی شماره ۲ شوبرت

در ادامه برنامه، ارکستر سمفونیک تهران «سمفونی شماره ۲ در سی بمل ماژور» اثر فراننتس شوبرت را اجرا کرد. این اثر، بخش پایانی کنسرت «به سبک ایتالیایی» بود که با همراهی منسجم نوازندگان و استقبال حاضران در تالار وحدت به پایان رسید.

در این کنسرت، جمعی از هنرمندان، مدیران فرهنگی و دیپلمات های خارجی حضور داشتند؛ از جمله کلارا بوکاچاوا،





کاشت ۳۵ هزار اصله درخت در چیتگر تا اردیبهشت سال آینده



شهردار منطقه ۲۲ تهران آخرین وضعیت پارک جنگلی چیتگر و اقدامات صورت گرفته در این پارک را تشریح کرد. به گزارش «آگاه» محمد جواد خسروی در خصوص آخرین وضعیت پارک جنگلی چیتگر و اقدامات صورت گرفته در این پارک، اظهار کرد: از زمان حضور در منطقه ۲۲ به بحث پارک پیورگورود کردیم و این موضوع یک دغدغه جدی زبست محیطی بود. البته از همان روزا اول هم ما پیش‌بینی می‌کردیم که این اتفاق بیفتد و شاهد خشک شدن برخی درختان باشیم، لذا با قدرت وارد شدیم و حتی در صحن شورا هم اعلام کردیم که به واسطه اتفاقاتی که در دو دهه اخیر در این پارک افتاده، ما می‌خواهیم یک کار جدی در چیتگر انجام دهیم.

به صفر رسیدن حقایه ۵۰۰ لیتری پارک جنگلی چیتگر

وی افزود، سرسری و طراوتی که از چیتگر در ذهن ما وجود دارد برای زمانی است که حداقل حقایه این پارک ۵۰۰ لیتر بر ثانیه بود. یعنی جدای از ظرفیت‌هایی که خود چیتگر برای آبیاری داشت، ۵۰۰ لیتر بر ثانیه حقایه‌ای بوده که در واقع شرکت تامین تصفیه در این پارک جنگلی چیتگر می‌داد، اما این حقایه به صفر رسید و این مسئله باعث شد که در اواخر دهه ۹۰ بخشی از بارسل‌های پارک جنگلی چیتگر دچار تنش و بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ اصله درخت هم دچار آفت شود. شهردار منطقه ۲۲ در تشریح اقدامات اجرایی برای کاهش مشکلات پارک جنگلی چیتگر در این دوره از مدیریت شهری با بیان اینکه از چند سال پیش، چند کار را به موازات هم در پارک جنگلی شروع کردیم، عنوان کرد، نخست اینکه در بحث درختان آلوده با کمک منابع طبیعی درختان آلوده و آفت‌زده را از پارک خارج کردیم که تاکنون چند هزار اصله از این درختان از پارک خارج شدند تا پایان آبان هم سایر درختان آلوده از پارک خارج خواهند شد. موضوع بعدی که شهرداری در حال انجام آن است بحث آبیاری درختان است که در این بخش، ظرف همین سه سال گذشته حدود ۴۰ کیلومتر لوله‌کشی داخل پارک جنگلی چیتگر داشتیم و علاوه بر این، چندین حلقه چاه قدیمی چیتگر را احیا کردیم و دو حلقه چاه دیگر نیز در حال احیا است. وی اضافه کرد، در چند ماه اخیر با ریزنی با شرکت تامین تصفیه، حقایه پارک از صفر به ۵۰ لیتر بر ثانیه رسیده است. بیش از ۵۰ لیتر بر ثانیه نیز از ظرفیت چاه‌های احیا شده استفاده می‌کنیم. همچنین حدود ۵۰ لیتر بر ثانیه از ظرفیت پساب تصفیه شده یکی از شهرک‌های منطقه استفاده می‌کنیم.

حداقل نیاز آبی پارک جنگلی چیتگر: ۲۵ لیتر بر ثانیه

خسروی با بیان این مطلب که حداقل نیاز آبی پارک جنگلی چیتگر در فاز شرقی و غربی ۲۵۰ لیتر بر ثانیه است، تصریح کرد، واقعیت این است که این میزان در سنوات قبل به ۲۰ تا ۳۰ لیتر بر ثانیه رسیده بود و الان بخش اعظم کسری بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ لیتر بر ثانیه موجود تا ۲۵۰ لیتر بر ثانیه نیاز پارک را با تاثر کم جبران می‌کنیم، علاوه بر این در تلاش هستیم که پساب تصفیه شده برخی از شهرک‌های دیگر منطقه را نیز پارک جنگلی چیتگر منتقل کنیم. شهردار منطقه ۲۲ در ادامه درباره جایگزینی کردن درختان آلوده و کاشت درختان جدید در پارک جنگلی چیتگر توضیح داد، به ازای درختانی که از پارک خارج می‌شوند، تاکنون ۲۵ هزار اصله درخت کاشته شده و بر اساس قراردادی که سازمان پوسان‌ها منعقد کرده، از دی اسسال تا اردیبهشت ۱۴۰۶ حدود ۳۵ هزار اصله درخت دیگر هم خواهیم کاشت. وی با اشاره به اینکه با احتساب درختان کاشته شده و درختانی که کاشته خواهند شد، شاید بالغ بر ۶۰ هزار اصله درخت کاشته شده داشته باشیم، بیان کرد، موضوع حائز اهمیت این است که ضمن احیای خاک، کاشت درختان را در بارسل‌هایی انجام می‌دهیم که مشکل آبیاری آن را حل کردیم. همچنین نوع درختانی که کاشته می‌شوند نیز تغییر کرده و درخت سوزنی برگ نیست. در واقع از درختانی استفاده می‌کنیم که با آب و هوای تهران سازگاری داشته باشند. این کارها سعی و خطایی نبوده و برای آن ظرفیت دانشگاهی را پای کار آوردیم و از کسانی که صاحب تجربه هستند و دانش در حوزه منابع طبیعی هستند استفاده کردیم تا در سال‌های آینده، پارک جنگلی چیتگر دوباره با این مشکلات مواجه نشود.

سامانه ثبت پرستاران اتباع راه‌اندازی می‌شود



رئیس کل سازمان نظام پرستاری، با بیان اینکه ثبت و نظارت بر فعالیت پرستاران اتباع نیازمند سازوکار قانونی است، از راه‌اندازی سامانه ثبت پرستاران اتباع خبر داد.

به گزارش «آگاه» احمد نجائبان، با اشاره به ضرورت ساماندهی فعالیت پرستاران اتباع در کشور، از برنامه سازمان نظام پرستاری برای ثبت پرستارانی خرداد که مجوزهای قانونی اشتغال در ایران را دریافت کرده‌اند، وی افزود، با راه‌اندازی سامانه مربوطه، امکان شناسایی و نظارت بر فعالیت این افراد و بهره‌مندی آنان از خدمات سازمان نظام پرستاری فراهم می‌شود. نجائبان با اشاره به نگرانی‌ها درباره فعالیت اتباع در حوزه پرستاری، تصریح کرد، افرادی که فاقد مجوز قانونی کار در کشور هستند باید از سوی وزارت بهداشت مورد نظارت قرار گیرند اما پرستاران اتباعی که مجوزهای قانونی لازم را دریافت کرده‌اند، باید در چارچوب مشخصی فعالیت کنند. وی افزود، شورای عالی سازمان نظام پرستاری مصوبه‌ای را برای ثبت این افراد در سازمان تصویب کرده است تا ضمن مشخص شدن تعداد و محل فعالیت پرستاران اتباع در کشور، امکان نظارت بر عملکرد آنان و رسیدگی به تخلفات احتمالی موجود باشد. او انتظامی فراهم می‌کند. نجائبان با بیان اینکه بخشی از این پرستاران، از جمله شهروندان افغانستانی مقیم ایران، در کشور تحصیل کرده و مجوزهای قانونی اشتغال و ویزای کار دریافت کرده‌اند، تصریح کرد، ثبت این افراد در سازمان، امکان بهره‌مندی آنان از خدماتی همچون آموزش‌های مداوم پرستاری را نیز فراهم می‌کند. رئیس سازمان نظام پرستاری ابراز امیدواری کرد سامانه ثبت پرستاران اتباع به‌زودی راه‌اندازی و اعلام شود.

وقتی بیمه از هزینه دارو عقب می‌ماند، بیماری گران‌تر از همیشه تمام می‌شود

دارو؛ از نسخه درمان تا هزینه‌ای کمرشکن



توان مالی تولیدکنندگان و عملکرد بیمه‌ها را برجسته می‌کند.

بدهی بیمه‌ها؛ حلقه‌ای که نقدینگی داروخانه‌ها را محدود می‌کند

یکی از مشکلات مهم بازار دارو، انباشت مطالبات داروخانه‌ها از سازمان‌های بیمه‌گر است. براساس جدول مطالبات منتشرشده از سوی انجمن داروسازان ایران، مجموع مطالبات داروخانه‌ها از سازمان‌های بیمه‌گر تا ۲۸ شهریور ۱۴۰۵ به حدود ۸۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده بود. این رقم مربوط به مطالبات سازمان تامین اجتماعی، سازمان بیمه سلامت و بیمه نیروهای مسلح است و نباید آن را صرفاً بدهی یک سازمان یا فقط سهم بیمه‌ای نسخه‌ها دانست.

برآورد دیگری که از سوی فعالان صنفی در پایان مرداد ۱۴۰۵ مطرح شد، مجموع مطالبات مربوط به سهم ارز و بیمه‌ها را حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان اعلام می‌کرد. این دو رقم به دو مقطع زمانی متفاوت مربوطند و ترکیب مطالبات آنها نیز باید هنگام مقایسه در نظر گرفته شود. گزارش‌های صنفی همچنین از تاخیر چندماهه در تسویه مطالبات داروخانه‌ها حکایت دارند. پیامد این تاخیرها به حساب‌های مالی محدود نمی‌شود. داروخانه برای تامین موجودی به شرکت پخش بدهکار می‌شود؛ شرکت پخش نیز باید هزینه دارو را به تولیدکننده بپردازد و تولیدکننده برای خرید مواد اولیه به نقدینگی نیاز دارد. وی پولی در این زنجیره به‌موقع جابه‌جا نشود، توان خرید و توزیع در گاه‌های می‌پایه و احتمال اختلال در دسترسی بیمار بیشتر می‌شود.

محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، در ا‌ول مهر ۱۴۰۵ با اشاره به مشکلات نقدینگی شرکت‌های دارویی گفت، منابع ارزی بخش دارو تخصیص یافته، اما شرکت‌ها در دریافت مطالبات خود از بیمه‌ها و تامین نقدینگی برای خرید مواد اولیه مشکل دارند. او با اشاره به افزایش هزینه حمل‌ونقل و تورم تأکید کرد، «بیمه‌ها باید حمایت بیشتری داشته باشند تا فشار هزینه‌ای کاهش پیدا کند و این فشار به مردم منتقل نشود». وزیر بهداشت همچنین بر ضرورت تامین قیمت واقعی تولید تأکید کرد؛ زیرا قیمت‌گذاری پایین‌تر از هزینه واقعی، می‌تواند ادامه فعالیت کارخانه‌های دارویی را با مشکل مواجه کند.

ارز ترجیحی، تحریم و جنگ؛ چرا دارو گران می‌شود؟

یکی از عوامل اثرگذار بر قیمت دارو، وابستگی بخشی از تولید داخلی به مواد اولیه، مواد موثره، تجهیزات و اقلام وارداتی است. افزایش نرخ ارز و هزینه تامین منابع

انتقال ۷۰ درصد وانت‌بارهای متخلف تهران به پارکینگ

جمع‌آوری گل‌فروشان اطراف بهشت زهرا(س)

کاملاً پاک‌سازی شده است. نیروهای ما در جریان اجرای این طرح‌ها با دشواری‌های زیادی مواجه شده‌اند و حتی برخی از آنها مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند.

ساماندهی گل‌فروشان اطراف بهشت زهرا(س) و جمع‌آوری کودکان کار

وی در ادامه با اشاره به دومین محور اجرای طرح‌های رفع سد معبر دریافت، اظهار کرد: پس از محور تجریش، در اطراف بزرگراه هاشمی و محدوده بهشت زهرا (س) وارد عمل شدیم. گل‌فروشی‌های مستقر در این محدوده موجب آسناد مسیر و ایجاد ترافیک می‌شدند. با هماهنگی مناسب با یگان حفاظت شهرداری و پلیس راهور فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، اقدامات گسترده‌ای در این محدوده انجام شد. معاون فنی و اجرایی شرکت شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران، خاطرنشان کرد، در جریان اجرای این طرح نیز نیروهای ما با هتاک، فحاشی و ضرب‌وشتم مواجه شدند؛ اما اکنون به‌ندرت شاهد استقرار گل‌فروشان به‌گونه‌ای هستیم که موجب مسدود شدن بزرگراه شوند. همچنین با هماهنگی سازمان خدمات اجتماعی شهرداری تهران و سازمان بهزیستی، کودکان کار از این محدوده جمع‌آوری شدند.

رفع سد معبر در محور شهرزاد و ۲۰ متری افسریه

معظمی‌گودرزی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در محور شهرزاد و ۲۰ متری افسریه، گفت، یکی دیگر از طرح‌هایی که اجرا کردیم، ساماندهی محور ۲۰ متری افسریه بود؛ محدوده‌ای که تقریباً تمام خیابان در آن اشغال می‌شد. در برخی نقاط محور شهرزاد و در منطقه ۱۵، چهار خودروی وانت در کنار یک‌دیگر مستقر بودند و موجب ایجاد مشکلاتی در معبر می‌شدند. وی افزود، از رسانه‌ها دعوت می‌کنم بدون هماهنگی قبلی، هر زمان که تمایل داشتند، همراه ما از محور شهرزاد و ۲۰ متری افسریه بازدید کنند تا از نزدیک شاهد تغییرات ایجادشده باشند. در این محدوده با توجه به حضور افرادی که سابقه کیفری، سابقه زندان و سابقه بزهکاری داشتند، با هماهنگی یگان امداد فرماندهی انتظامی تهران بزرگ وارد عمل شدیم و توانستیم این محدوده را ساماندهی کنیم.

وی ادامه داد، در منطقه ۱۴ تهران نیز در خیابان شکوفه و میدان ۱۳۱۳ اقدامات لازم برای رفع سد معبر انجام شد.

انتقال وانت‌بارهای متخلف به پارکینگ

معظمی‌گودرزی با بیان اینکه همکاری با پلیس راهور در این زمینه نتایج مهمی به همراه داشته است، گفت، یکی از اقدامات ما جمع‌آوری

برای بسیاری از بیماران، تهیه دارو به یکی از دشوارترین هزینه‌های ماهانه تبدیل شده است. بیمار مبتلا به دیابت، بیماری قلبی یا اختلالات عصبی که باید داروهایش را به‌طور مستمر مصرف کند، با افزایش قیمت‌ها ناچار است بخش بیشتری از درآمد خود را صرف درمان کند. این فشار برای رانزشستان، سالمندان و مبتلایان به بیماری‌های معال‌العلاج، که اغلب به‌چند دارو به‌صورت هم‌زمان نیاز دارند، سنگین‌تر است. در چنین شرایطی، مشکل فقط افزایش قیمت نیست؛ محدودیت پوشش بیمه‌ای، دشواری بازپرداخت هزینه‌ها و کمبود برخی اقلام نیز دسترسی به درمان را دشوار کرده است.

به گزارش «آگاه» برخی بیماران می‌گویند داروخانه مورد مراجعه‌شان با بیمه تکمیلی قرارداد ندارد یا برای دریافت هزینه از بیمه باید فاکتور ارائه کنند؛ فاکتوری که ممکن است به دلایل مختلف پذیرفته نشود یا تمام هزینه میلیون‌ی پرداخت‌شده را پوشش ندهد. در نتیجه، بیمار گاهی ناچار است دارو را آزاد بخرد یا فرانشیز بالاتری بپردازد. این وضعیت در کنار دشواری یافتن برخی داروها، می‌تواند ادامه درمان را به مسئله‌ای مالی و فرساینده تبدیل کند.

افزایش قیمت؛ از چند برابر شدن بعضی اقلام تا نگرانی از هزینه درمان

نمونه‌های منتشرشده از تغییر قیمت داروها در سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد افزایش قیمت برخی اقلام چشمگیر بوده است. در مقایسه قیمت‌ها از شهریور ۱۴۰۴ تا شهریور ۱۴۰۵، بهای گلابتین ۳۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان به ۹۶۰ هزار تومان و قیمت استامینوفن کدئین از ۱۳۷ هزار تومان به ۹۵۰ هزار تومان رسیده است. همچنین، در اطلاعات منتشرشده درباره محصولات یک شرکت دارویی، میانگین قیمت ۸۲ قلم محصول حدود ۱۲۰ درصد افزایش یافته و افزایش قیمت بعضی اقلام از این میزان نیز بیشتر بوده است.

مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو، در شهریور ۱۴۰۵ تأکید کرد که قیمت دارو تابع نرخ ارز و هزینه‌های تولید است و دولت باید هم‌زمان با حفظ امکان ادامه تولید، از مردم در برابر افزایش هزینه‌ها حمایت کند. او همچنین هشدار داد: «نمی‌توان بازار دارو را با تاخیر در پرداخت‌های بیمه‌ای ادامه داد.» این اظهار نظر، پیوند میان قیمت دارو،

معاون فنی و اجرایی شرکت شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران از ساماندهی معابر پرترد در پایتخت، کاهش بساط گستری در محور تجریش، ساماندهی گل‌فروشان اطراف بهشت زهرا (س)، انتقال ۷۰ درصد وانت‌بارهای متخلف به پارکینگ و اجرای طرح‌های جدید در محور هفت‌تیر خبر داد.

به گزارش «ایسنا» احمد معظمی‌گودرزی با اشاره به آغاز طرح‌های شرکت شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران در حوزه معابر، اظهار کرد: از اردیبهشت و بلافاصله پس از جنگ تحمیلی سوم نخستین طرح را در محور تجریش و محدوده حریم امامزاده صالح آغاز کردیم. این طرح محدوده اطراف مغازه‌های پیرامون حرم تا میدان قدس را دربر می‌گرفت و با همکاری و هم‌افزایی شهرداری منطقه یک، معاونت خدمات شهری و این منطقه و یگان حفاظت شهرداری اجرا شد.

معاون فنی و اجرایی شرکت شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران ادامه داد، این طرح از اردیبهشت امسال آغاز شد و اکنون حدود پنج ماه از اجرای آن می‌گذرد. رفع سد معبر و ساماندهی بساط گستری در محور تجریش کار بسیار سخت و سنگینی بود چراکه برخی افراد سابقه ۴۰ تا ۶۰ ساله در بساط گستری در این محدوده داشتند، اما توانستیم بساط گستری را در این محور تقریباً به صفر برسانیم.

معظمی‌گودرزی با بیان اینکه در حال حاضر به‌جز سه یا چهار مورد که شهرداری منطقه یک برای آنها مجوز صادر کرده است، دست‌فروشی و بساط گستری در محور تجریش مشاهده نمی‌شود، گفت: تا ساعت ۲۰، محور تجریش پاک است و پس از آن، فرصتی برای فعالیت افرادی در نظر گرفته شده است که از این راه امرار معاش می‌کنند و این فعالیت شغل آنهاست. وی با تأکید بر دشواری اجرای طرح‌های رفع سد معبر در تهران، تصریح کرد: در این مسیر حتی نیروهای ما مورد ضرب‌وشتم قرار گرفتند و انتظار داریم رسانه‌ها همراهی بیشتری با ما داشته باشند. معاون فنی و اجرایی شرکت شهریان و حریم‌بان شهرداری تهران با بیان اینکه در شرکت شهریان و حریم‌بان سه حوزه کاری صیانت از حریم شهر، رفع سد معبر و برخورد با تخلفات ساختمانی و موارد مرتبط با ایمن‌سازی کارگاه‌های ساختمانی داریم، افزود، در حوزه‌های مختلف فعالیت خود با واکنش مثبت مردم مواجه می‌شویم و شهروندان

برای قدردانی از اقدامات انجام‌شده مراجعه می‌کنند، اما در حوزه رفع سد معبر، با وجود اینکه مسیر عبور شهروندان و خانواده‌ها را باز می‌کنیم، واکنش چندانی از سوی مردم مشاهده نمی‌شود.

معظمی‌گودرزی با اشاره به وضعیت پیشین پیاده‌راه تجریش گفت، اگر پیش از اردیبهشت در این محدوده قدم می‌زدید، عبور و مرور برای شهروندان، آعم از آقایان و خانم‌ها، به‌سختی امکان‌پذیر بود؛ اما اکنون این محور



